درآمدی بر عملیات والفجر ۴

حجت‌الله کریمی*

چکیده

دست‌نیافتن نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران به اهداف موردنظر در عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر یک و نیز تجربیات به‌دست‌آمده در طول بیش از دو سال جنگ با دشمن، تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی را به سوی راهبرد جدیدی هدایت کرد. براساس این راهبرد اجرای چند عملیات در جبهه‌های میانی و شمالی پیش‌بینی، طراحی و اجرا شد. عملیات‌های والفجر۲ در منطقه حاج عمران و والفجر۳ در منطقه مهران در همین چارچوب در تیر و مرداد ۱۳۶۲ به اجرا در آمدند. در ادامه این راهبرد عملیات والفجر۴ در منطقه عمومی شیلر طراحی و اجرای آن در ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ آغاز شد. این عملیات که با لحاظ مؤلفه‌هایی نظیر سرزمین و مدت زمان اجرا در زمره عملیات‌های بزرگ قرار می‌گیرد، در چهار مرحله اجرا شد. اجرای نبرد والفجر۴ از آنچه پیش‌بینی شده بود سخت‌تر پیش رفت و دستاوردهای زیادی داشت، اما اهداف این عملیات به‌صورت کامل محقق نشد. نوشتار پیشرو مراحل طراحی، اجرا و دستاوردهای این عملیات را بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: عملیات والفجر۴، منطقه دهانه شیلر، قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، مریوان، بانه. ۱۳۶۲.

مقدمه

پس از عدم‌الفتح عملیات والفجر مقدماتی، مباحث مفصل و دامنه‌داری درخصوص چرایی ناکامی عملیات‌های اخیر ایران، بین فرماندهان نظامی به‌ویژه فرماندهان سپاه پاسداران شکل گرفت. در این مباحث، ضمن بررسی و آسیب‌شناسی عملیات‌های ایران در دوره پس از عملیات بیت‌المقدس تا عملیات والفجر مقدماتی، تصمیم‌گیران نظامی به این نتیجه رسیدند که «باتوجه‌به افزایش توانایی‌های نظامی دشمن، بدون تغییرات اساسی در شیوه نبرد، ادامه جنگ مشکل خواهد بود.»[1] اما تا زمان «ایجاد تغییرات اساسی در شیوه نبرد» تعطیل‌کردن جبهه‌های جنگ مقدور نبود و می‌بایست سیر عملیات‌ها

* پژوهشگر و مدیر بررسی‌های تاریخی و روزشمار مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

ادامه می‌یافت. به تعبیر امام خمینی، می‌بایست «تنور جبهه‌ها گرم نگه داشته می‌شد.»[۲] در چنین شرایطی و باتوجه‌به در پیش‌بودن فصل بهار و تابستان یعنی موعد کار و تلاش نیروهای مردمی، بدنه اصلی عملیات‌های زمینی می‌بایست طوری طراحی و اجرا می‌شد که ضمن تضمین موفقیت، به نیروی اندک نیاز داشته باشند. از سوی دیگر، به‌دلیل گرمای منطقه جنوب در فصل‌هایِ پیشرو، عملیات‌های آتی می‌بایست در جبهه‌های میانی و شمالی طراحی و اجرا می‌شد. در چنین وضعیتی، فرماندهان و تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی باتوجه‌به مجموع شرایط پیش‌گفته، مناطق، عملیات‌ها و اهدافی را به شرح ذیل انتخاب و اقدام به تمهید مقدمات و تهیه ملزومات آن کردند:

-علمیات والفجر۲ در منطقه پیرانشهر با هدف تصرف پادگان حاج‌عمران تا تنگه دربند.

- عملیات والفجر۳ در منطقه مهران با هدف تصرف ارتفاعات جنوب کانی سخت تا قلعه آویزان (قلاویزان).

-عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر با هدف پیوند میان خط دفاعی روی ارتفاعات سورکوه و صاف‌کردن خط مرزی.

- عملیات والفجر۵ در منطقه دربندیخان با هدف تهدید سد دربندیخان.

- عملیات والفجر۶ در شمال خلیج‌فارس با هدف انهدام اسکله‌های البکر و الامیه.[۳]

اما برخلاف ایران، عراق در آستانه عملیات والفجر۴ فاقد یک استراتژی منسجم نظامی بود. این کشور به‌دنبال رانده‌شدن از سرزمین‌های ایران، درمقابل عملیات‌های ایران در چارچوب استراتژی تعقیب و تنبیه متجاوز مقاومت نشان داده و مانع از رسیدن جمهوری اسلامی ایران به اهداف نظامی و سیاسی شده بود، اما در صحنه عمل در جبهه‌های زمینی منفعل و بدون تحرک بود. در چنین وضعیتی تصمیم‌گیران سیاسی و نظامی عراق به این نتیجه رسیدند تازمانی‌که جمهوری اسلامی ایران به استخراج و فروش نفت خود ادامه می‌دهد، استراتژی تعقیب و تنبیه متجاوز را دنبال خواهد کرد. بنابراین ضربه‌زدن به منابع حیاتی اقتصاد ایران برای سردمداران رژیم بعث عراق در اولویت قرار گرفت. باتوجه به اینکه ترمینال نفتی خارک اصلی‌ترین ترمینال نفتی ایران به‌دلیل بُعد مسافت، خارج از برد موشک‌ها و هواپیماهای عراق بود، دولت این کشور تلاش‌هایی را برای دستیابی به امکانی جدید به‌منظور واردکردن ضربه اساسی به منابع اقتصادی ایران آغاز کرد و درنهایت با دولت فرانسه برای تحویل ۵ فروند جنگنده سوپراتاندارد به توافق رسید. این جنگنده‌ها قابلیت فنی ویژه برای طی مسافتی طولانی‌تر و نیز امکان تجهیز به موشک‌های اگزوست را داشتند، در ۱۶ مهرماه (دو هفته قبل از آغاز عملیات والفجر۴) به عراق تحویل داده شدند.

جغرافیای منطقه عملیات

منطقه عملیاتی والفجر۴ در نوار مرزی و کوهستانی غرب استان کردستان ایران واقع شده است. استان کردستان ایران در حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و خط مرزی ایران و عراق در این قسمت، از کوهستانی بسیار سخت و نامرتب عبور می‌کند که همان دنباله ارتفاعات زاگرس است و دره‌هایی سخت و معابر کوهستانی صعب‌العبوری دارد. علاوه‌براین، شکل نوار مرزی در کردستان و به‌ویژه در منطقه عملیاتی والفجر۴، در حدفاصل مریوان تا بانه، با یک

از راست: علی فدوی مسئول اطلاعات قرارگاه، بشردوست قائم‌مقام فرماندهی قرارگاه، مزینانی مسئول روابط عمومی سپاه، علی شمخانی قائم مقام فرمانده کل سپاه و غلامعلی رشید مسئول عملیات سپاه در سنگر فرماندهی قرارگاه در حال بررسی نقشه‌ای از منطقه، قرارگاه حمزه، مریوان، آبان ۱۳۶۲.

فرورفتگی به طول ۳۵ و عرض ۶ تا ۱۰ کیلومتر در خاک ایران جلو آمده و منطقه مریوان را از بانه جدا کرده است. این منطقه به‌دلیل وجود رودخانه‌ای به نام شیلر، «دهانه شیلر» نامیده می‌شود. منطقه مریوان که در ناحیه پست‌تر از دره شیلر واقع شده است، وضعیت طبیعی غیرمناسبی را ایجاد می‌کند. این منطقه به‌کلی کوهستانی و پوشیده از جنگل است، به‌طوری که عملیات نظامی را تا حدودی با اشکال مواجه می‌کند. اگر این فرورفتگی مرزی وجود نداشت، یک واحد می‌توانست طی چند ساعت راهپیمایی معمولی، از مریوان به بانه برسد؛ حال آنکه با این وضعیت، در تابستان چند روز وقت لازم است. به‌این‌ترتیب، فرورفتگی شیلر ارتباط مستقیم بین مریوان و بانه را قطع کرده است.[۴]

منطقه دهانه شیلر در مجاورت استان سلیمانیه عراق است و درمقابل منطقه عملیاتی والفجر۴، جاده‌ها و شهرک‌های مهمی از عراق قرار دارد. در شمال منطقه، شهرهایی چون چومان و قلعه دیزه و در جنوب آن گرمک و پنجوین و در عمق غربی مریوان، مرکز استان سلیمانیه یعنی شهر بزرگ سلیمانیه واقع شده است.[۵]

ارتفاعات منطقه

منطقه ناهموار محدوده بانه و مریوان، منطقه‌ای کوهستانی، درهم و غیرمنظم است که دره‌های بسیاری به‌طور مایل بین دو کشور ایران و عراق به وجود آورده و محورهای نفوذی متعددی را ایجاد کرده است. مهم‌ترین ارتفاعات منطقه عبارت‌اند از:

الف) ارتفاعات سورن (شمال نوسود در ایران تا توتمان در جنوب پنجوین).

ب) کوه زله یا ارتفاعات پنجوین (در جنوب‌غربی شهر پنجوین).

ج) ارتفاعات خلوزه (این ارتفاعات به‌صورت شرقی غربی به داخل شیلر کشیده شده است).

د) ارتفاعات مارو (در شمال‌شرقی خلوزه).
ه) ارتفاعات لری (در دهانه شیلر به بلندی ۲۰۲۰ متر).
و) ارتفاع کنگرک (در دهانه شیلر به بلندی ۱۸۱۰).
ز) ارتفاع گرمک (در دهانه شیلر به بلندی ۱۸۱۶ متر).
ح) ارتفاع هفت‌توانان در نوار مرزی جنوب و شرق دهانه شیلر با ارتفاع ۱۵۰۰ متر.
ط) تپه شهدا در جنوب هفت‌توانان.
ی) ارتفاع مهم و راهبردی کانی‌مانگا که در امتداد دو ارتفاع مهم، از شمال به لری و سورکوه و از جنوب به سورن منتهی می‌شود. این ارتفاع قله‌های زیادی دارد؛ ازجمله شیخ گزنشین با ۱۸۷۷ متر ارتفاع، شاخ تارچر با ۱۸۶۶ متر، و ۲ ارتفاع ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰. این دو ارتفاع از جنوب به جاده سیدصادق پنجوین منتهی می‌شوند.

در اواسط مردادماه ۱۳۶۲، قرارگاهی با عنوان قرارگاه تاکتیکی حمزه به‌منظور تسریع در جریان آماده‌سازی عملیات، در منطقه مریوان تشکیل و مسئولیت اجرای عملیات دهانه شیلر به آن واگذار شد. علی رضائیان از سپاه و سرهنگ امیربیگی از ارتش، به‌عنوان فرماندهان قرارگاه مقدم حمزه معرفی شدند.

تنگه‌ها

در آغاز دهانه شیلر بین چهار ارتفاع مهم (سورکوه، لری، کانی‌مانگا و سورن) سه تنگه وجود دارد: تنگه اول بین ارتفاع سورکوه و لری که رودخانه شیلر از آن عبور می‌کند و به‌دلیل نبودن جاده مناسب، اهمیت زیادی ندارد؛ تنگه دوم بین ارتفاع لری و کانی‌مانگا که رودخانه قزلجه‌سو از میان آن عبور می‌کند؛ و تنگه سوم بین کانی‌مانگا، سورن و زله واقع شده است. این تنگه به‌دلیل وجود دو ارتفاع زله و سورن طولانی شده و جاده مهم پنجوین به سیدصادق از این تنگه می‌گذرد و ازاین‌جهت اهمیت زیادی داشت و عقبه اصلی دشمن در منطقه محسوب می‌شد. این تنگه به‌دلیل وجود شهرکی به نام نالپاریز در انتهای غربی تنگه، به نام نالپاریز خوانده می‌شود.

جاده‌ها

۱. جاده آسفالته سیدصادق سلیمانیه به طول ۵۰ کیلومتر و عرض ۷ متر.
۲. جاده آسفالته سیدصادق به حلبچه و خرمال به طول ۳۸ کیلومتر و عرض ۶ متر.
۳. جاده آسفالته پنجوین سیدصادق به طول ۱۵ کیلومتر و عرض ۶ متر که از تنگه طولانی نالپاریز عبور می‌کند.

جاده‌های داخل شیلر

الف) جاده شوسه پنجوین به گرمک سرسوراو.
ب) جاده شوسه پنجوین به نخلان میشاو.
ج) جاده آسفالته کخلان تا سرسوراو.
د) جاده آسفالته درجه۳ از پنجوین تا مرز (به‌طرف بایوه).
ه) جاده آسفالته درجه۲ پنجوین هرگنه ولیاوه و هلال‌آوه.

از دیگر جاده‌های شوسه منطقه می‌توان به این موارد اشاره کرد: جاده شوسه پنجوین کانی‌مانگا که از روی قله شیخ گزنشین از سلسله قله‌های کانی‌مانگا عبور می‌کند و به چوارتا و از آنجا به سلیمانیه ختم می‌شود؛ جاده جنوب کانی‌مانگا به توتمان که از بین ارتفاعات زله و سورن عبور می‌کند؛ جاده سرتاسری روی ارتفاعات پنجوین (زله) که از جاده آسفالت پنجوین سیدصادق منشعب می‌شود و قله‌های ارتفاعات مشرف به پنجوین را به هم وصل می‌کند.[۶]

رودخانه‌ها

رودخانه شیلر: این رودخانه با ۱۵۰ کیلومتر طول، از ارتفاعات مرزی شیلر سرچشمه می‌گیرد و به زاب کوچک می‌ریزد. در بهار به‌دلیل طغیان آب غیرقابل‌عبور، اما در بقیه فصول سال در قسمت‌هایی که رودخانه از زمین‌های صاف می‌گذرد، قابل عبور است.

- رودخانه آب شیلر (آوه شیلر).
- رودخانه گوگه‌سور (آوه گوگه‌سور).
- رودخانه دله کلال.
- رودخانه زلم.
- چم زیرون که.رودخانه تانجرو.
- رودخانه داوانه.
- رودخانه باصره.

طراحی و آماده‌سازی عملیات

تصویب طرح و ابلاغ مأموریت

پس از تصویب اجرای عملیات والفجر۴ در دهانه شیلر در بهار ۱۳۶۲، مسئولیت اجرای این عملیات به قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) (ارومیه) واگذار شد، اما پس از مدتی به‌دلیل کثرت مأموریت‌های داخلی و خارجی این قرارگاه، در جریان آماده‌سازی عملیات والفجر۴ مشکلاتی پدید آمد. برای رفع این مشکلات، در اواسط مردادماه ۱۳۶۲، قرارگاهی با عنوان قرارگاه تاکتیکی حمزه به‌منظور تسریع در جریان آماده‌سازی عملیات، در منطقه مریوان تشکیل و مسئولیت اجرای عملیات دهانه شیلر به آن واگذار شد. علی رضائیان از سپاه و سرهنگ امیربیگی از ارتش، به‌عنوان فرماندهان قرارگاه مقدم حمزه معرفی شدند. در اوایل تابستان ۱۳۶۲، دو لشکر۸ نجف و ۱۴ امام حسین(ع) از سپاه برای شناسایی و تهیه و تکمیل طرح عملیات به‌ترتیب به مناطق بانه و مریوان مأمور شدند. بدین‌ترتیب، یگان‌های مزبور با اعزام عناصر اطلاعات و عملیات خود در مناطق مرزی مریوان و بانه، مقدمات اجرای عملیات والفجر۴ را فراهم کردند و لشکر۲۸ کردستان ارتش نیز موظف شد با لشکرهای فوق همکاری کند.[۷]

وضعیت و اقدامات دشمن

در جبهه مقابل، ارتش عراق از ابتدای شهریورماه ۱۳۶۲ و درپی آگاهی از تحرکات و اقدامات یگان‌های ایران در منطقه دهانه شیلر، اقدامات مختلفی را برای پیشگیری از اجرای عملیات آتی ایران انجام داد. دشمن در گام نخست، بمباران شهرهای بانه و مریوان را به‌عنوان عقبه استقراری لشکرهای ۸ و ۱۴ سپاه و لشکر۲۸ ارتش، در دستور کار خود قرار داد. اولین حمله هوایی عراق به این منطقه در ۸ شهریورماه به روستای رزاب از توابع سروآباد (جنوب‌شرقی مریوان) بود[۸] و تا آستانه اجرای عملیات والفجر۴ سیری صعودی پیدا کرد. در گام بعدی، ارتش عراق کوشید با فعال کردن عناصر ضدانقلاب در مناطق بانه و مریوان و همچنین انتشار شایعاتی مبنی‌بر حمله عراق به مراکز و نقاط مرزی، در روند آماده‌سازی عملیات دهانه شیلر اختلال ایجاد کند. برای نمونه، در چهاردهم شهریور، اخباری درباره نفوذ نیروهای عراقی در روستای جشنی‌آباد

ارتش عراق کوشید با فعال کردن عناصر ضدانقلاب در مناطق بانه و مریوان و همچنین انتشار شایعاتی مبنی‌بر حمله عراق به مراکز و نقاط مرزی، در روند آماده‌سازی عملیات دهانه شیلر اختلال ایجاد کند.

و قلقله مریوان و قصد عناصر ضدانقلاب برای حملهٔ هماهنگ با ارتش عراق در محور کولان مریوان منتشر شد.[۹] علاوه‌براین، ارتش عراق در اقدامی دیگر کوشید با تقویت نیرو و تحکیم خطوط پدافندی خود، جبهه‌های مقابل نیروهای ایران را مستحکم کرده، امکان تهدید و تصرف شهرهای مهم مرزی نظیر سیدصادق، شانه‌دری، خورمال، طویله، حلبچه و سلیمانیه را از قوای ایران بگیرد و از جناح‌دهی به ایرانی‌ها اجتناب کند. دراین‌زمینه، مهم‌ترین اقدام ارتش عراق در محور بانه، تخلیه تدریجی ارتفاعات شرقی و شمالی دهانه شیلر در بازه زمانی ۱۶ الی ۲۶ شهریورماه بود. درحالی‌که ارتش عراق قصد داشت خطوط پدافندی خود را از ارتفاعات سورکوه به ارتفاعات لری و کنگرک و کانی‌مانگا تغییر دهد، با تعقیب و حمله لشکر۸ نجف که در بانه مستقر بود مواجه شد.[۱۰] این اقدام در رسانه‌ها با عنوان «عملیات شمال مریوان» بازتاب یافت.[۱۱] درپی این تغییرات، محور شمالی عملیات والفجر۴ در شمال دهانه شیلر کاملاً دگرگون شد و به‌طورکلی فرصت اجرای مرحله اول عملیات دهانه شیلر در محور بانه فلش حمله از ارتفاعات آسمان‌بین و سورکوه به ارتفاعات لری، کنگرک و گرمک که در طرح مانور لشکر۸ نجف پیش‌بینی شده بود، از بین رفت. ارتش عراق در اقدامی دیگر در اول مهرماه ۱۳۶۲، با اعزام یک گروهان از نیروهای تیپ۴۲۴ از محدوده بانی‌بنوک به ارتفاعات سورن تلاش کرد با شناسایی مواضع قوای خودی در محور مریوان، وضعیت نیروهای ایران در محور سورن و پنجوین را ارزیابی کند که با هوشیاری عناصر اطلاعاتی و رزمی لشکر۱۴ امام حسین(ع) و اجرای یک تک محدود به عقب رانده شد.[۱۲]

استعداد دشمن

منطقه عملیاتی در حوزه استحفاظی سپاه یکم ارتش عراق قرار داشت که مقر فرماندهی‌اش در کرکوک بود و خط حد آن از منطقه دربندیخان تا مرز ترکیه گسترش داشت.

مسئولیت منطقه عملیاتی والفجر۴ برعهده لشکر۴ پیاده کوهستانی بود که یگان‌های تحت امر آن از دربندیخان تا سورکوه گسترش داشتند. علاوه‌بر تیپ‌های سازمانی، تعداد زیادی تیپ و گردان مستقل تحت امر این لشکر بودند.

در مجموع، همه یگان‌هایی که قبل، حین و بعد از عملیات در منطقه حضور یافتند، عبارت بودند از:

الف) یگان‌های پیاده، شامل:

تیپ‌های ۶۰۲، ۶۰۵، ۵۰۴، ۷۰۲، ۷۰۵، ۹۵، ۱۰۸، ۵۰۱، ۵۰۲، ۴۹، ۹۶، ۴۰۳، ۷۰۳، ۴۳۵، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۸، ۱۱۶ و ۱۰۱ پیاده؛

گردان‌های ۲۸ و ۵۵ مستقل، گردان۳ از تیپ۴۲۰، گردان۱ از تیپ۹۱، گردان۱ از تیپ۴۲۴ پیاده؛

تیپ‌های ۵، ۱۸ و ۲۹ پیاده کوهستانی؛

تیپ۲ گارد مرزی.

ب) یگان‌های زرهی، شامل: تیپ۳۶ و گردان‌های تانک خالد، ۴، ۹ و ابن‌حارثه.

ج) گارد ریاست‌جمهوری، شامل: تیپ‌های ۱ و ۲.

د) کماندو، هوابرد و نیروی مخصوص، شامل:

گردان‌های کماندویی عقبه، الویس، فاروق و المثنی؛

گردان کماندویی لشکر۴؛

دو گردان کماندویی زاخو؛

تیپ۵ هوابرد؛

تیپ‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص.

ه) یگان‌های توپخانه، شامل:

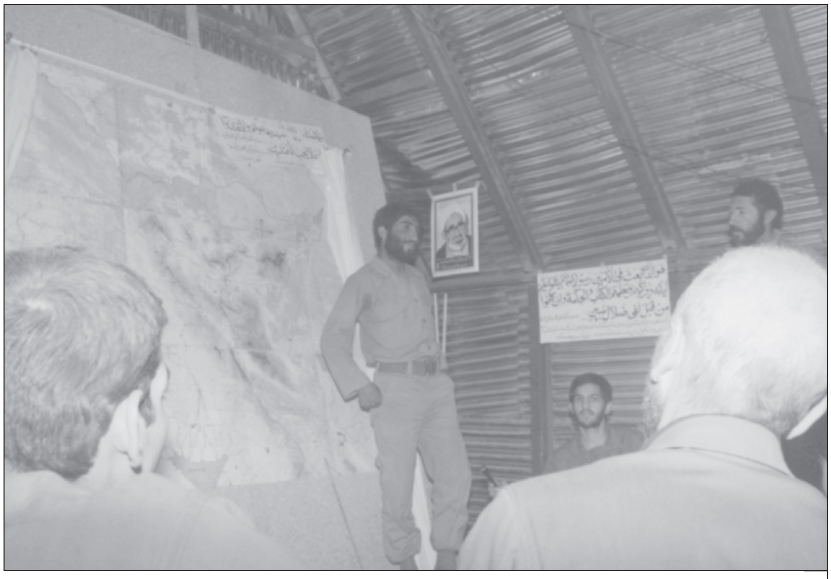

از راست: علی رضائیان فرمانده قرارگاه مقدم حمزه، داود رنجبر راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، احمد کاظمی فرمانده لشکر۸ نجف، قرارگاه حمزه، مریوان، مهرماه ۱۳۶۲.

گردان‌های ۶۶۷، ۱۸، ۹، ۶۷۸ و ۶۷۶؛
یک آتشبار از گردان ۲۴۰؛
دو آتشبار از گردان۶۳۸؛
یک آتشبار از گردان۴؛
یک آتشبار از گردان۱۳۷؛
یک آتشبار از گردان ۶۳۲؛
یک آتشبار از گردان ۱۶۵[۱۳].

طراحی عملیات

با وجود اقدامات فشرده دشمن به‌منظور پیشگیری از حمله آتی ایران در منطقه دهانه شیلر، تلاش‌های فرماندهان قرارگاه مقدم حمزه و به‌ویژه لشکر۸ نجف در محور بانه و لشکر۱۴ امام حسین(ع) در محور مریوان برای شناسایی، طرح‌ریزی و اجرای عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر ادامه یافت و فرماندهان این قرارگاه در طول شهریورماه برمبنای شناسایی‌های انجام‌شده، طرح مانور و سازمان عملیات را در تعامل با فرماندهان قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) تهیه و تنظیم کردند. براساس طرح اولیه قرار بود عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر در دو جبهه بانه و مریوان اجرا شود؛ به‌این‌ترتیب در جبهه بانه (شمال دهانه شیلر) یک هدف و در جبهه مریوان (جنوب دهانه شیلر) سه هدف ارتفاعات مارو، پنجوین و سورن تعیین و استعداد کلی عملیات دهانه شیلر ۶۰ گردان متشکل از ۴۵ گردان از سپاه و ۱۵ گردان از ارتش برآورد شد و برای اجرای این عملیات، ۵ قرارگاه تاکتیکی حمزه در نظر گرفته شد.

درپی نخستین حضور محسن رضایی فرمانده کل سپاه، در منطقه عملیاتی برای بررسی جریان آماده‌سازی عملیات والفجر۴ در سوم مهرماه، تغییراتی در طرح مانور این عملیات پدید آمد. محسن رضایی با تأکید بر اینکه جاده سورن کانی‌مانگا و جاده بین لری و کانی‌مانگا دو محور کلیدی منطقه است، پیشنهاد کرد با گسترش

عمقی مانور دو لشکر۱۴ امام حسین(ع) و ۸ نجف به پشت ارتفاع کانی‌مانگا در داخل خاک دشمن، ضمن دورزدن منطقه، کل دهانه شیلر محاصره شود.[۱۴] روز بعد (۴ مهر ۱۳۶۲)، فرماندهی کل سپاه در مذاکرات خود با فرماندهان قرارگاه‌های نجف و حمزه متوجه شد که دو عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر و والفجر۵ در منطقه دربندیخان با مشکل کمبود نیرو و محدودیت زمانی مواجه‌اند. بدین‌ترتیب، در جلسه فرماندهان قرارگاه‌های خاتم‌الانبیا(ص)، نجف و مقدم حمزه پیشنهاد شد عملیات والفجر۴ به‌عنوان تلاش اصلی و عملیات والفجر۵ نیز به‌عنوان تک پشتیبانی در نظر گرفته شود.[۱۵] طبق این پیشنهاد، قرار بود ابتدا عملیات والفجر۵ در منطقه دربندیخان در پنج روز آتی توسط قرارگاه نجف، و ده روز بعد عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر ازسوی قرارگاه مقدم حمزه اجرا شود.

سه روز بعد در هفتم مهرماه، اولین جلسه مشترک سرهنگ علی صیاد شیرازی و محسن رضایی در حضور فرماندهان ارشد ارتش و سپاه برای تصمیم‌گیری درباره سرنوشت اجرای دو عملیات والفجر۴ و والفجر۵ در قرارگاه خاتم‌الانبیای تهران برگزار شد. در این جلسه که نقش مهمی در تسریع اجرای عملیات‌های والفجر در منطقه غرب و شمال‌غرب داشت، فرماندهان ارتش و سپاه به‌منظور دستیابی به نتیجه‌ای قطعی، همه راهکارهای موجود برای اجرای عملیات‌های والفجر۴ و ۵ را بررسی و پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه کردند:

۱. اجرای قاطعانه طرح‌های عملیاتی (والفجر۴ و ۵) به‌طورکامل و هم‌زمان یا با اختلاف چند روز.

۲. حذف یکی از طرح‌ها به‌منظور اجرای کامل طرح دیگر (والفجر ۴ یا ۵).

۳. اجرای کامل یکی از طرح‌های مذکور و اجرای یک تک محدود در منطقه‌ای دیگر.[۱۶]

پس از آنکه فرماندهان ارتش و سپاه به‌شکل تخصصی و تفصیلی سه گزینه فوق را بررسی کردند، در روز نهم مهرماه، نشست‌های فشرده محسن رضایی و علی صیاد شیرازی با فرماندهان قرارگاهی و یگانی ارتش و سپاه در باختران ادامه یافت که نتیجهٔ آن صدور دستور قطعی اجرای عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر به نیروهای قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا(ع) بود. زمان تقریبی اجرای عملیات والفجر۴ نیز روز جمعه پانزده مهرماه تعیین شد.[۱۷] این تصمیم در حالی گرفته شد که همچنان دو عنصر کمبود نیرو و محدودیت زمان از مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه اجرای موفقیت‌آمیز عملیات والفجر۴ بود. علاوه‌براین، مشکلات مهندسی موجود نیز موجب تغییراتی در مراحل و سازمان رزم عملیات شد، به‌طوری که محور سورن از مرحله اول عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر حذف شد.[۱۸]

در تاریخ دوازدهم مهر، دستور کتبی اجرای عملیات والفجر۴ با تغییرات سازمان رزم و مأموریت یگان‌ها به قرارگاه مقدم حمزه ابلاغ شد. در این دستور مقرر شد قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) رده جلویی (مریوان) عملیات والفجر۴ را طبق تدبیر ابلاغ‌شده در منطقه دهانه شیلر اجرا کند و لشکر ۳۱ عاشورا و گردان ۳۰۰ (منهای توپخانه) از کنترل عملیاتی قرارگاه نجف آزاد و به استعداد منطقه عملیاتی دهانه شیلر افزوده و درضمن امکانات اضافی هوانیروز در منطقه والفجر۵ بنا به دستور در مناطق عملیاتی والفجر۴ به کار گرفته شود. همچنین قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) (ارومیه) مأمور اجرای عملیات پاک‌سازی منطقه و انهدام عناصر ضدانقلاب در منطقه آلان و بژوه (جنوب‌غربی شهر

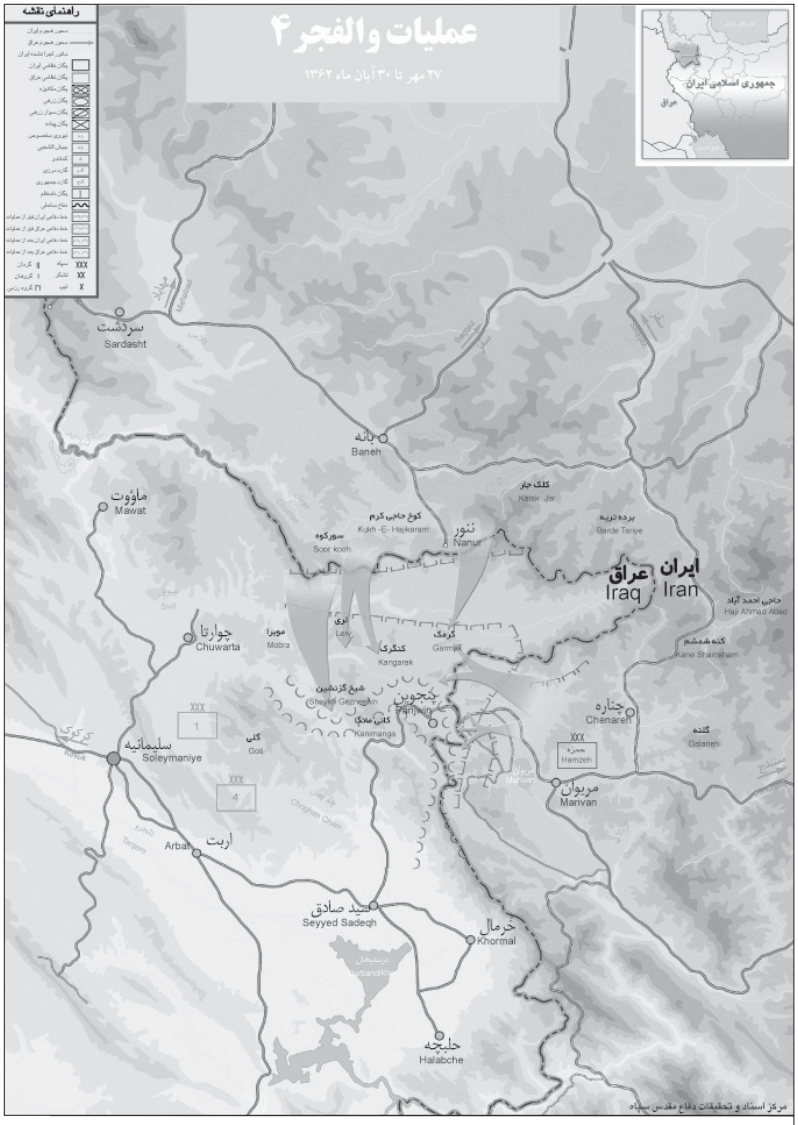

نقشه عملیات والفجر۴، منطقه دهانه شیلر، مهرماه ۱۳۶۲.

سردشت) به‌منظور پشتیبانی از عملیات والفجر۴ شد.[1]

یک روز بعد، در سیزدهم مهرماه، فرماندهان ارتش و سپاه در قرارگاه مقدم حمزه در جلساتی به بررسی و تعیین و تنظیم دستور جزءبه‌جزء طرح مانور عملیات مزبور متناسب با آخرین تغییرات خطوط پدافندی دشمن پرداختند. در نشست مشترک فرماندهان ارتش و سپاه مقرر شد طرح مانور عملیات در منطقه دهانه شیلر (جبهه بانه تا مریوان) در سه مرحله اجرا شود. در مرحله اول عملیات، قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا(ع) مأموریت یافت با پنج قرارگاه تاکتیکی در یک مانور احاطه‌ای دوطرفه ارتفاعات لری (هدف ظفر)، کنگرک (هدف کاظمین)، مارو (هدف فتح) و پنجوین (هدف کربلا) را به این شرح تصرف و تأمین کند:

قرارگاه تاکتیکی حمزه۱ در منطقه مریوان

به‌عنوان تلاش اصلی ضمن تصرف هدف کربلا (ارتفاعات جنوبی پنجوین، کله‌قندی و هرگنه) خط سبز پیروزی را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

قرارگاه تاکتیکی حمزه۲ از ارتفاعات خرنوکه‌دار و ساوجی ضمن تصرف هدف فتح (ارتفاعات مارو، شمال‌شرقی پنجوین و هفت‌توانان) خط پیروزی را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

قرارگاه تاکتیکی حمزه۳ در منطقه بانه از شمال به جنوب، هدف‌های ظفر (ارتفاعات لری) و کاظمین (کنگرک) را تصرف و خط سبز پیروزی را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

قرارگاه تاکتیکی حمزه۴ در منطقه مریوان، احتیاط هریک از قرارگاه‌های حمزه ۱ و ۲ را تشکیل داده، در ادامه ضمن حفظ آمادگی، بنا به دستور از خط حمزه۱ عبور، هدف قدر را تصرف و خط سبز را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

در تاریخ بیستم مهرماه، قرار شد هم‌زمان با عملیات والفجر۴، در منطقه دهانه شیلر، ستاد جنگ‌های نامنظم و گروه کومبا ۱۱ نیز در محور دزلی جاده سیدصادق به شانه‌دری، عملیات چریکی شبانه اجرا کنند.

قرارگاه تاکتیکی حمزه۵ در منطقه بانه، احتیاط قرارگاه حمزه۳ را تشکیل داده، در ادامه ضمن حفظ آمادگی، بنا به دستور از خط حمزه۳ عبور، هدف فجر را تصرف و خط سبز را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

در مرحله دوم عملیات، قرارگاه مقدم حمزه باید پس از تأمین خط پیروزی و قسمتی از خط سبز در منطقه قرارگاه‌های تاکتیکی حمزه۱ و ۳، تک را به‌منظور تصرف هدف‌های ارتفاع سورن (قدر) و ارتفاع کانی‌مانگا (فجر) و تأمین کامل خط سبز به این ترتیب ادامه دهد:

قرارگاه تاکتیکی حمزه۴ با عبور از قرارگاه تاکتیکی حمزه۱، هدف قدر (ارتفاع سورن) را تصرف و خط سبز را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

قرارگاه تاکتیکی حمزه۵ پس از عبور از قرارگاه تاکتیکی حمزه۳، هدف فجر (ارتفاع کانی‌مانگا) را تصرف و خط سبز را در منطقه محول‌شده تأمین کند.

قرارگاه‌های تاکتیکی حمزه ۱و۳ هم به مأموریت خود در منطقه محول‌شده ادامه دهند.

قرارگاه تاکتیکی حمزه۲ احتیاط قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا(ع) را تشکیل داده، در ادامه آمادگی خود را برای به‌کارگیری در منطقه هریک از یگان‌ها حفظ کند.

در مرحله سوم عملیات، همه یگان‌ها ضمن حفظ آمادگی خود می‌بایست بنا به دستور، قسمت شمالی ارتفاعات سورن را تصرف و در منطقه محول‌شده پدافند می‌کردند.

براساس طرح مزبور، در این عملیات استعداد سازمانی نیروهای خودی ۴۶ گردان از سپاه و ۱۴ گردان از ارتش بود و در مقابل، نیروهای درگیر و تقویت دشمن حداکثر ۷۹ گردان مانوری برآورد و برمبنای آخرین تغییرات، شب عاشورا به‌عنوان زمان اجرای عملیات تعیین شد. سازمان رزم کلی عملیات قرارگاه مقدم حمزه در عملیات دهانه شیلر به این شرح ابلاغ شد:

۱. قرارگاه تاکتیکی حمزه۱ با استعداد لشکر۱۴ امام حسین(ع) از سپاه و تیپ۲ لشکر۲۱ حمزه از ارتش، گردان۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م.م، به‌همراه گروهان‌های مهندسی رزمی لشکر۲۱ و سپاه و جهادسازندگی نجف‌آباد.

۲. قرارگاه تاکتیکی حمزه۲ با استعداد تیپ۴۴

قمربنی‌هاشم(ع) از سپاه و تیپ۳ لشکر۲۸ کردستان از ارتش، یک گروهان از گردان۸۱۳ تانک، گردان۳۱۰ توپخانه ۱۰۵ م.م، گروهان۳ گردان۴۱۷ مهندسی رزمی لشکر۲۸ و جهادسازندگی چهارمحال و بختیاری.

۳. قرارگاه تاکتیکی حمزه۳ با استعداد لشکر۸ نجف از سپاه و تیپ۲ لشکر۲۸ کردستان از ارتش، گردان۳۹۳ توپخانه ۱۰۵ م.م، به‌همراه گروهان‌های مهندسی رزمی لشکر۲۸ و سپاه و جهادسازندگی اصفهان.

۴. قرارگاه تاکتیکی حمزه۴ با استعداد لشکر۴۱ ثارالله(ع) از سپاه و تیپ۱ لشکر۲۸ کردستان از ارتش، گروه رزمی سلمان، به‌همراه گروهان‌های مهندسی رزمی لشکر۲۸ و سپاه و برخی واحدهای جهادسازندگی.

۵. قرارگاه تاکتیکی حمزه۵ با استعداد لشکر۲۵ کربلا از سپاه.[۲۰]

گفتنی است در تاریخ بیستم مهرماه، قرار شد هم‌زمان با عملیات والفجر۴ در منطقه دهانه شیلر، ستاد جنگ‌های نامنظم و گروه کومبا۱۱ نیز در محور دزلی جاده سیدصادق به شانه‌دری، عملیات چریکی شبانه اجرا کنند.[۲۱]

شرح عملیات

مرحله اول

عملیات والفجر۴ در ساعت ۲۴ روز ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ در منطقه عمومی شیلر از دو محور بانه و مریوان با رمز «یاالله» آغاز شد.[۲۲] نیروهای خودی نبردی را آغاز کرده بودند که اجرای آن بسیار پیچیده و دشوار بود، «زیرا نیروهای پیاده باید با صعود به ارتفاعات صعب‌العبور منطقه، به مواضع دشمن در بالای کوه‌ها حمله می‌کردند. رزمندگان اسلام باید ساعت‌ها در کوهستان‌هایی که هیچ جاده‌ای نداشت، به‌صورت ستونی به‌سمت خط اول دشمن حرکت می‌کردند تا بتوانند خود را به مواضع مستحکم ارتش عراق برسانند.»[۲۳]

به‌هرتقدیر، در محور بانه لشکر۸ نجف به‌همراه لشکر۳۱ عاشورا و تیپ۲ لشکر۲۸ کردستان (قرارگاه تاکتیکی حمزه۳) مأموریت داشتند ارتفاعات مهم لری، گرمک و کنگرک را به تصرف درآورند. در محور مریوان نیز تیپ۴۴ قمربنی‌هاشم(ع) به‌همراه تیپ۳ لشکر۲۱ حمزه (قرارگاه تاکتیکی حمزه۲) با هدف تصرف ارتفاعات مارو، براله، سربراله، هفت‌توانان، خلوزه۱ و خلوزه۲ وارد عمل شدند.[۲۴]

عملیات والفجر۴ در ساعت ۲۴ روز ۲۷ مهرماه ۱۳۶۲ در منطقه عمومی شیلر از دو محور بانه و مریوان با رمز "یاالله" آغاز شد.

با این وصف، یگان‌های عمل‌کننده با اجرای یک تک شبانه در کوهستان و در تاریکی از میان کوه‌ها و جنگل‌ها و زمین‌های سنگلاخی عبور کردند و خود را به بالای ارتفاعات رساندند. در محور عملیاتی لشکر۸ نجف، نیروهای این لشکر ابتدا با فتح ارتفاع لری، ضمن انهدام ۶ تانک عراقی در تنگه بین ارتفاعات گرمک و کنگرک، این دو ارتفاع مهم را تصرف کردند.[۲۵] بدین‌ترتیب، اصلی‌ترین مأموریت لشکر۸ نجف که تصرف سه ارتفاع کنگرک، گرمک و لری در محور بانه بود، به انجام رسید. بااین‌حال، پاک‌سازی، الحاق گردان‌ها و احداث خاکریز هنوز باقی مانده بود.

برخلاف پیشروی‌های خوبی که در محور بانه انجام شده بود، موفقیت‌های به‌دست‌آمده در محور مریوان نسبی بود؛ به‌طوری‌که در ساعت ۳ بامداد، وضعیت عمومی این محور چنین گزارش شد: دو ارتفاع مارو و خلوزه۱ به تصرف درآمده و یک گردان درحال عبور از خلوزه۱ برای تصرف خلوزه۲ می‌باشد؛ ارتفاع هفت‌توانان کاملاً تصرف نشده و دو ارتفاع براله و سربراله نیز همچنان در دست عراقی‌ها است.[۲۶] ازآنجاکه این دو ارتفاع به‌نوعی جناح چپ محور بانه، یعنی منطقه عملیاتی لشکر۸ نجف را تشکیل می‌داد، باقی‌ماندن نیروهای عراقی در این ارتفاعات می‌توانست دستاوردهای محور بانه را تهدید کند.

در ادامه نبرد در محور مریوان، تا ساعت ۴ بامداد، قله اصلی هفت‌توانان و یکی از قله‌های خلوزه۲ با تلاش نیروهای تیپ۴۴ قمربنی‌هاشم(ع) تصرف شد، ولی عراق با اعزام نیرو درصدد بازپس‌گیری این ارتفاع برآمد.[۲۷] کمی بعد بار دیگر بخشی از ارتفاع خلوزه۲ و هفت‌توانان به‌دست نیروهای دشمن افتاد.[۲۸]

در محور بانه، حدود ساعت ۴ بامداد، نیروهای لشکر۸ نجف برای تثبیت اهداف تصرف‌شده در طول شب و حمله به مقر تیپ ارتش عراق، به ارتفاع شیخ‌حسن واقع در جنوب ارتفاع کنگرک هجوم بردند. با وجود مقاومت شدید دشمن، این ارتفاع سقوط کرد و نیروهای لشکر۸ نجف توانستند ضمن تصرف قرارگاه تیپ۴۲۸ عراق که در دامنه این ارتفاع واقع شده بود، معاون فرماندهی این تیپ را به اسارت بگیرند. دشمن با وجود آشفتگی و فشار ایجادشده از پیشروی نیروهای خودی توانست ۱۵۰ دستگاه انواع خودرو را که در پارک موتوری در جنوب ارتفاع شیخ‌حسن بود، تخلیه کند.[۲۹]

در آستانه روشن‌شدن هوا، گردان‌های لشکر۸ نجف موفق شدند در همه محورها باهم الحاق کنند و از ساعت ۶ بامداد، کار احداث خاکریز در دامنه و حدفاصل دو ارتفاع لری و کنگرک آغاز شد. در ابتدا به‌دلیل شدت آتش دشمن و درگیری‌های پراکنده، دستگاه‌های مهندسی نتوانستند با استعداد پیش‌بینی‌شده به منطقه بروند، اما رفته‌رفته با تحکیم وضعیت نیروهای خودی و کاهش فشار دشمن، کار احداث خاکریز با ورود ۱۲ بلدوزر و ۲ لودر به منطقه سرعت گرفت و سرانجام در ساعت ۱۴ به پایان رسید.[۳۰] در محور مریوان نیز واحد مهندسی تیپ۴۴ قمربنی‌هاشم(ع) یک خاکریز به طول ۲ کیلومتر از دامنه جنوبی هفت‌توانان به‌سمت تپه ایمان در شمال این ارتفاع احداث کرد.[۳۱]

از ساعت ۱۰ صبح، دشمن که به منطقه عملیات لشکر۸ نجف حساس شده بود، برای ضدحمله به این منطقه، هماهنگی‌هایی را بین یگان‌های خود انجام داد. طبق اطلاعات به‌دست‌آمده از شنود، ۴ گردان پیاده و یک گردان تانک مانوری و یک گردان تانک در احتیاط و یک گردان کماندویی که به‌وسیله بالگرد به منطقه هلی‌برن می‌شدند، پس از سه ساعت هماهنگی به‌قصد بازپس‌گیری منطقه کنگرک، لری و به‌خصوص ارتفاع شیخ‌حسن ضدحمله خود را شروع کردند، ولی مقابله نیروهای لشکر۸ نجف و تدبیر فرماندهی این یگان پاتک عراقی‌ها را ناکام گذاشت و نیروهای دشمن با تحمل تلفات فراوان سرکوب شدند. در جریان این پاتک، ۳ فروند بالگرد عراق نیز هدف قرار گرفتند و سقوط کردند. یکی از این بالگردها حامل سرهنگ دوم ولید فرمانده نیروهای گردان کماندوی عراق بود که با سقوط بالگرد زخمی و دستگیر شد. گفتنی است دشمن در همین منطقه پاتک‌های متعدد دیگری نیز انجام داد که در هیچ‌کدام از آنها موفق نبود.[۳۲]

از چپ: علی رضائیان فرمانده قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهداء(ع) و کریم نصر فرمانده تیپ۴۴ قمر، سنگر فرماندهی قرارگاه حمزه، مریوان، عملیات والفجر۴، مهرماه ۱۳۶۲.

بنابراین، نیروهای خودی در شب و روز اول عملیات موفقیت‌های زیادی به دست آوردند که به‌ویژه در محور بانه، قاطع و چشمگیر بود و با وجود آگاهی نسبی دشمن از اجرای عملیات، یگان‌های عمل‌کننده در این محور به همه اهداف خود دست یافتند.

دومین شب عملیات با هدف تصرف ارتفاعات مسلط به شهر پنجوین (زله و هرگنه)، تکمیل عملیات شب گذشته و تصرف ارتفاعات هفت‌توانان و خلوزه۲ و الحاق با لشکر۸ نجف آغاز شد. این مأموریت به نیروهای لشکر۱۴ امام حسین(ع) و لشکر۲۵ کربلا واگذار شده بود.

درحالی‌که قرار بود حداکثر تا ساعت ۲۲ شب ۲۸ مهر عملیات شروع شود، دو یگان عمل‌کننده تا ساعت ۱ بامداد ۲۹ مهر موفق نشدند پای کار برسند. لشکر۱۴ امام حسین(ع) ساعت ۱:۰۸ بامداد آمادگی خود را اعلام کرد و نیروهای لشکر۲۵ کربلا نیز باآنکه از ساعت ۱۸ روز گذشته حرکت کرده بودند، حدود ساعت ۱:۳۰ بامداد به نزدیکی هدف رسیدند و اعلام آمادگی کردند.[۳۳]

اجرای مأموریت واگذارشده به لشکرهای ۱۴ و ۲۵ مشکلات و دشواری‌های فراوانی داشت. این مشکلات به‌ویژه در محور لشکر۱۴ امام حسین(ع) بیشتر و پیچیده‌تر بود. برخی از مشکلات محور این لشکر عبارت بودند از: «نحوه آرایش دشمن روی ارتفاع زله نفوذ به مواضع را مشکل ساخته بود. نیروهای دشمن از قسمت جنوبی ارتفاعات پنجوین، دامنه همه ارتفاعات و دشت را مین‌گذاری کرده و سیم‌خاردار کشیده بودند و به‌هیچ‌عنوان راه نفوذ وجود نداشت. از روبه‌رو هم نمی‌شد به کله‌قندی زد؛ چراکه عراق حتی زیر ارتفاع صاحب‌الزمان(عج) که در دامنه غربی ارتفاع قلانجان در خاک ایران قرار دارد را نیز مین‌گذاری کرده بود. حتی دشمن در تپه شهدا هم نیرو گذاشته بود و تمام جاهایی همچون تخم‌مرغی، هرگنه و سه‌درختی را که امکان نفوذ وجود داشت، بسته بود.»[۳۴]

با وجود این مشکلات، دو گردان از نیروهای لشکر۱۴

امام حسین(ع) توانستند در ساعت ۱:۴۰ بامداد، تپه شهدا را تصرف کنند. پس از آن در ساعت ۲:۱۵ ارتفاع سه‌درختی و در ساعت ۳:۴۰ نیز دو ارتفاع هرگنه و تخم‌مرغی به تصرف نیروهای این لشکر درآمد. یک گردان دیگر از نیروهای این لشکر نیز با عبور از این دو گردان، به‌سمت ارتفاعات هرگنه که بر شهر پنجوین اشراف داشت حرکت کرد و در ساعت ۴:۳۰، همه ارتفاعات مورد نظر را به تصرف درآورد. حتی تعدادی از نیروهای این گردان وارد شهر پنجوین شدند.[۳۵]

از سوی دیگر، فرماندهان گردان‌های عمل‌کننده لشکر۲۵ کربلا نیز پس از رسیدن به منطقه عملیاتی، چون از موقعیت محل مأموریت خود اطلاعات دقیقی نداشتند، قبل از آنکه به نیروها دستور پیشروی بدهند، خود به بررسی منطقه پرداختند و سپس وارد عمل شدند. بنا به اعلام فرماندهی لشکر۲۵ کربلا، گردان‌های عمل‌کننده این لشکر در ساعت ۳ بامداد، ارتفاع خلوزه۲ را به‌طور کامل پاک‌سازی و قله اصلی هفت‌توانان را نیز تصرف کردند. فرمانده لشکر۱۴ امام حسین(ع) با آگاه‌شدن از وضعیت جناح راست خود (لشکر۲۵ کربلا) برای تقویت پیشروی‌های انجام‌شده چندین تانک و چندین دستگاه لودر و بلدوزر را برای احداث خاکریز از شمال تپه شهدا وارد منطقه کرد.

در شب دوم عملیات نیروهای لشکر۸ نجف با تدبیر فرماندهی خود توانستند نیروهای عراق را به عقب برانند سرعت‌عمل و شدت واکنش نیروهای خودی به حدی بود که نیروهای عراقی یال‌های جنوبی لری را که قبل از این پاتک در اختیار داشتند، رها کردند و به‌سمت کانی‌مانگا عقب رفتند. در این اقدام، ۲۰۰ عراقی نیز به اسارت درآمدند.

بااین‌حال، موضوع پیش‌بینی‌نشده‌ای که در این هنگام مشکل‌آفرین شد، استقرار نیروهای عراق روی ارتفاع کلو در محدوده عملیات لشکر۲۵ کربلا بود، زیرا وجود این نیروها علاوه‌برآنکه فشار زیادی را به نیروهای لشکر۲۵ کربلا وارد می‌کرد و مانع الحاق نیروهای این یگان با لشکر۱۴ امام حسین(ع) می‌شد، به‌دلیل تسلط دید و تیری که به تپه شهدا داشت، عقبه لشکر۱۴ امام حسین(ع) را هم تهدید می‌کرد و مانع ورود واحد زرهی این لشکر به منطقه اصلی نبرد می‌شد. باوجوداین، آن بخش از نیروهای لشکر۱۴ که تپه شهدا، سه‌درختی و تخم‌مرغی را تصرف کرده بودند، توانستند موقعیت خود را تثبیت کنند.[۳۶]

در چنین وضعیتی فرماندهی منطقه‌ای ارتش عراق برای بازپس‌گیری ارتفاعات ازدست‌رفته چندین دستور ضدحمله صادر کرد. براین‌اساس، تیپ۶۵ نیروی مخصوص عراق مأموریت یافت با به‌کارگیری گردان۳ تیپ۲۹، ارتفاع خلوزه۲ را تصرف کند. بازپس‌گیری هفت‌توانان هم به واحدهای تیپ۵ و یک گردان تانک واگذار شد و تیپ۲۹ دشمن نیز با باقیمانده گردان دوم در ارتفاعات شرق پنجوین و هرگنه وارد عمل شد.[۳۷]

این یگان‌های عراقی علاوه‌بر پیشروی در محور خلوزه۲ و تحکیم موقعیت خود، به نیروهای گردان امام سجاد(ع) از لشکر۱۴ امام حسین(ع) که روی ارتفاعات سیدمصطفی در جنوب‌شرقی پنجوین مستقر بودند فشار زیادی وارد کردند. قوای تجدیدسازمان‌یافته عراق با پشتیبانی دقیق آتش توپخانه، از چند طرف به نیروهای مستقر در ارتفاعات سیدمصطفی هجوم بردند. هجوم و فشار دشمن به حدی رسید که گردان امام سجاد(ع) در محاصره قرار گرفت. این گردان پس از موافقت فرماندهی لشکر با عقب‌نشینی آن، حدود ساعت ۱۱ به عقب بازگشت. این درحالی بود

که حدود ۱۲ تن از نیروهای لشکر۱۴ امام حسین(ع) که پیشاپیش در عمق منطقه نفوذ کرده و وارد شهر پنجوین شده بودند، به اسارت نیروهای عراقی درآمدند.[۳۸]

در این مرحله از عملیات، نیروهای لشکر۱۴ امام حسین(ع) بناسوته، بخش جنوب‌شرقی ارتفاع زله (سیدمصطفی) تپه تخم‌مرغی، دو ارتفاع در شرق هرگنه (دو ارتفاع ۱۵۳۰ و ۱۴۷۰ در غرب هرگنه تصرف نشد) و ارتفاع سه‌درختی و تپه شهدا را به تصرف درآوردند. البته طبق طرح عملیات قرار بود درصورت موفقیت، یک گردان پس از تثبیت موقعیت تخم‌مرغی و بناسوته برای تصرف کله‌قندی اقدام کند که به‌دلیل کمبود وقت این کار مقدور نشد. مهندسی این لشکر نیز برای تثبیت دستاوردهای عملیاتی، یک خاکریز از جناح راست خود از هرگنه به سه‌درختی احداث کرد. همچنین برای تدارک خط مقدم، دو جاده از مرانه و تپه شهدا به منطقه درگیری کشیده شد.

لشکر۲۵ کربلا نیز باآنکه در ابتدا خوب عمل کرد و توانست خلوزه۱ و بخش‌های اصلی هفت‌توانان را تصرف کند، در تصرف خلوزه۲ ناموفق بود. این لشکر قرار بود خاکریزی از انتهای هفت‌توانان تا انتهای کلو احداث کند، ولی به‌دلیل تصرف‌نشدن کلو، خاکریز بین مارو و خلوزه احداث شد و تا یال غربی هفت‌توانان امتداد یافت. بدین‌ترتیب، الحاق پیش‌بینی‌شده این لشکر با لشکر۸ نجف در سمت راست و لشکر۱۴ امام حسین(ع) در سمت چپ مقدور نشد.[۳۹]

در شب دوم عملیات هم‌زمان با اجرای عملیات در محور مریوان، در سوی دیگر صحنه نبرد در محور بانه نیز درگیری بین نیروهای خودی و دشمن آغاز شد و ادامه یافت. در این محور، نیروهای عراقی در ساعت ۱ بامداد با به‌کارگیری تیپ۶۶، عملیاتی را برای تصرف ارتفاع راهبردی لری که دراختیار لشکر۸ نجف قرار داشت، آغاز کردند. در این پاتک، دشمن به مواضع خودی نفوذ کرد و علاوه‌بر دو کیلومتر از خاکریزی که در جلوی لری احداث شده بود، یکی از ارتفاعات مهم لری (ارتفاع ۱۸۲۰) را نیز تصرف کرد. باوجوداین، نیروهای لشکر۸ نجف به‌سرعت ابتکار عمل را به دست گرفتند و با تدبیر فرماندهی خود توانستند نیروهای عراق را به عقب برانند. سرعت‌عمل و شدت واکنش نیروهای خودی به حدی بود که نیروهای عراقی یال‌های جنوبی لری را که قبل از این پاتک در اختیار داشتند، رها کردند و به‌سمت کانی‌مانگا عقب رفتند. در این اقدام، ۲۰۰ عراقی نیز به اسارت درآمدند. فرمانده لشکر۸ نجف، پس از فراغت از دفع پاتک دشمن برای حفظ جناح چپ خود نیروهایی را به منطقه براله اعزام کرد و آنها توانستند با کمترین تلفات این ارتفاع را تصرف کنند.[۴۰]

هم‌زمان با عملیات نیروهای خودی در محور مریوان، نیروهایی از لشکر۳۱ عاشورا و لشکر۸ نجف در یک اقدام مشترک و البته بدون هماهنگی باقرارگاه مقدم حمزه و توانستند ارتفاع براله را به تصرف درآورند.

درپی تصرف بخشی از ارتفاعات شرق پنجوین، فرمانده عملیات تصمیم گرفت لشکر۱۴ امام حسین(ع) را برای تصرف ارتفاعات زله (کله‌قندی و سنگ معدن) و یال سیدمصطفی، و لشکر۴۱ ثارالله(ع) را برای تصرف بخش دیگری از ارتفاعات شرق پنجوین و غرب هرگنه (ارتفاعات ۱۵۳۰ و ۱۴۷۰) به کار گیرد. در ضمن به قرارگاه حمزه۴ (لشکر۲۵ کربلا و تیپ۱ لشکر۲۸ کردستان) نیز مأموریت

داده شد برای تصرف اهداف نیمه‌تمام شب گذشته خود، یعنی ارتفاع خلوزه۲ و باقیمانده هفت‌توانان، اقدام کند.[۴۱] این یگان‌ها در ۳۰ مهر ۱۳۶۲ با حدود ۳ ساعت تأخیر، کار خود را شروع کردند، اما بروز مشکلات پیش‌بینی‌نشده، آتش سنگین و مقاومت شدید دشمن مانع از موفقیت نیروهای خودی شد. دراین‌میان، لشکر امام حسین(ع) بیش از دیگران با مشکلات مواجه و دچار آسیب شد؛ در ابتدا خودرو حامل نیروهای راهنمای عملیات که از منطقه شناخت قبلی داشتند واژگون شد و بیشتر سرنشینان آن شهید یا زخمی و از منطقه عملیاتی خارج شدند. علاوه‌براین، نیروهای این لشکر در مسیر حرکت در شیار بین ارتفاع تخم‌مرغی و پاسگاه بناسوته با آتش سنگین و پرحجم توپخانه‌های عراقی مواجه شدند و تلفات فراوانی به آنان وارد آمد. این نیروها در ادامه پیشروی باتوجه به آنکه نیروهای راهنما دچار حادثه شده بودند، صرفاً با اتکا به گرای منطقه هدف و با استفاده از قطب‌نما به‌سوی هدف حرکت کردند، اما به‌دلیل آشنانبودن به منطقه، در میان انبوه درختان که براثر اصابت گلوله‌های عراق بسیاری از آنها آتش گرفته بود، گیر افتادند. دود غلیظ برخاسته از آتش‌گرفتن درختان به‌حدی بود که نفس‌کشیدن را برای نیروها مشکل کرده بود و علاوه‌برآن، انبوه درختان نیز مانع حرکت نیروها می‌شد.[۴۲]

درپی بروز این مشکلات و با وجود طرح پیشنهادی درخصوص تغییر مسیر حرکت نیروها، جمع‌بندی فرماندهان نشان‌دهنده عدم‌موفقیت بود، بنابراین فرماندهی عملیات پیشنهاد لشکر۱۴ امام حسین(ع) را درباره عقب‌نشینی نیروها و بازگشت به مواضع اولیه پذیرفت.[۴۳]

از سوی دیگر، لشکر۴۱ ثارالله(ع) که در جناح راست لشکر۱۴ عمل می‌کرد، در اوایل درگیری موفقیت‌های زیادی کسب کرد و تا صبح توانست قسمت‌هایی از ارتفاعات غرب و شرق هرگنه و جنوب‌شرقی پنجوین ازجمله ارتفاع ۱۵۳۰ را تصرف کند، ولی قله غرب هرگنه همچنان در دست دشمن باقی ماند. بعد از استقرار نیروهای لشکر۴۱ ثارالله(ع) روی این ارتفاعات، به‌دلیل خالی‌بودن جناح لشکر و فشار بی‌امان نیروهای عراقی از دو طرف، فرمانده این لشکر، در مشورت با قرارگاه مقدم حمزه تصمیم به عقب‌نشینی گرفت. بدین‌ترتیب، تا ساعت ۹ صبح، پس از تخلیه شهدا و مجروحان، نیروهای این یگان به عقب برگشتند.[۴۴]

در سمت راست (شمال) لشکر۴۱ ثارالله(ع) نیز قرارگاه حمزه۴ (لشکر۲۵ کربلا و تیپ۲ از لشکر۲۸ کردستان ارتش) برای تکمیل اهداف شب‌های گذشته (کامل‌کردن بخش‌های تصرف‌شده هفت‌توانان و تصرف خلوزه۲)، به‌همراه سایر یگان‌ها با دو گردان ادغامی وارد عمل شد. این قرارگاه که برای تصرف خلوزه۲ یک گردان و برای تکمیل تصرف ارتفاع هفت‌توانان نیز یک گردان در نظر گرفته بود، با وجود پیشروی‌های اولیه نتوانست اهداف خود را تأمین کند و با تحمل تلفاتی ناچار به عقب‌نشینی شد.[۴۵]

از سوی دیگر، هم‌زمان با عملیات نیروهای خودی در محور مریوان، نیروهایی از لشکر۳۱ عاشورا و لشکر۸ نجف در یک اقدام مشترک و البته بدون هماهنگی با قرارگاه مقدم حمزه، برای تصرف ارتفاعات براله و سربراله در محور بانه اقدام کردند و توانستند ارتفاع براله را به تصرف درآورند.[۴۶]

در شب بعد (۱ آبان ۱۳۶۲) نیروهای قرارگاه تاکتیکی حمزه۲ (تیپ۴۴ قمربنی‌هاشم(ع) و تیپ۳ لشکر۲۸ کردستان) مناطق و ارتفاعات بین دو محور

عزیمت نیروهای خودی به خط درگیری. مریوان، عملیات والفجر۴، مهرماه ۱۳۶۲.

بانه و مریوان را پاک‌سازی کردند. دشمن با احساس خطر محاصره نیروهایش در ارتفاع هفت‌توانان، آنها را به عقب فراخواند و بدین‌ترتیب، الحاق بین دو محور بانه و مریوان برقرار شد.[۴۷]

با الحاق این دو محور، مرحله اول عملیات والفجر۴ پایان‌یافته اعلام شد. البته همه اهداف پیش‌بینی‌شده در مرحله اول محقق نشد و ارتفاع خلوزه۲ و ارتفاعات مشرف به پنجوین همچون زله و پنجوین در دست دشمن باقی ماند.

مرحله دوم

پس از پایان مرحله اول عملیات، سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضایی درخصوص چگونگی ادامه عملیات به مشورت پرداختند و درباره اجرای مرحله دوم عملیات تصمیماتی اتخاذ کردند. براین‌اساس، برای گام اول مرحله دوم عملیات، تصمیم فرماندهان بر آن شد که اهداف باقیمانده از مرحله اول را به تصرف درآورند و بدین‌منظور در محور بانه، لشکر۳۱ عاشورا مأمور تصرف خلوزه۲ و ارتفاع کلو شد و در محور مریوان نیز لشکر۱۴ امام حسین(ع) و لشکر۴۱ ثارالله(ع) مأمور شدند بار دیگر اهداف قبلی خود را یعنی ارتفاعات زله (سنگ معدن، کله‌قندی و یال سیدمصطفی) و ارتفاعات هرگنه تصرف کنند. قرارگاه تاکتیکی حمزه۴ نیز مأموریت یافت ضمن برقراری الحاق بین یگان‌های ۴۱ ثارالله(ع) و ۳۱ عاشورا، خاکریزی را از ارتفاع کلو به‌سمت جنوب در منطقه ولیاوه احداث کند.[۴۸]

نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا موفق شدند در اولین ساعات عملیات، با انهدام ۲ گردان از نیروهای عراقی، ارتفاع خلوزه۲ و کلو را تصرف کنند. گردان‌های عمل‌کننده لشکر۱۴ امام حسین(ع) نیز با انهدام ۸ تانک دشمن ابتدا یال سیدمصطفی و بخشی از ارتفاع سنگ معدن و سپس قله اصلی سنگ معدن را تصرف کردند، ولی براثر فشار بسیار زیاد تیپ۲۹ عراق این ارتفاع بار دیگر به دست

قوای دشمن افتاد. نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله(ع) نیز با تصرف برخی از ارتفاعات، درحال پیشروی به‌سمت قله اصلی هرگنه (۱۵۳۰) بودند، اما به‌دلیل پاتک عراقی‌ها به مواضع لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و بازپس‌گیری ارتفاع سنگ معدن، نیروهای این یگان موفق به تصرف قله هرگنه نشدند و به‌ناچار به عقب بازگشتند.

هم‌زمان با عملیات این یگان‌ها، لشکر ۸ نجف نیز با کمک نیروهایی از لشکر ۳۱ عاشورا در محور بانه توانست در جنوب کنگرک و گرمک پیشروی و خاکریزی را از یال شرقی کنگرک به‌سمت کلو احداث کند. حمزه۴ نیز که مأمور احداث خاکریز از کلو به‌سمت جنوب ولیاوه بود، توانست خاکریزی را هرچند با انحراف از مختصات پیش‌بینی‌شده، احداث کند و بدین‌ترتیب، یک خاکریز سراسری و قابل‌پدافند از جنوب کنگرک به کلو و از آنجا به ولیاوه ایجاد شد.[۴۹]

به‌طورکلی، در جریان عملیات روز ۲ آبان ۱۳۶۲، ارتفاع مهم خلوزه۲ و بخشی از ارتفاعات هرگنه و زله به‌همت لشکرهای ۳۱ عاشورا، ۴۱ ثارالله(ع) و ۱۴ امام حسین(ع) به تصرف درآمد و قسمت جنوبی ارتفاع کنگرک و گرمک پاک‌سازی و خاکریزی نیز از کنگرک در محور بانه به کلو و ولیاوه در محور مریوان احداث شد.

در ادامه مرحله سوم عملیات موضوعی که پس از شروع درگیری یگان‌ها ذهن فرماندهی را به خود مشغول کرده بود، چگونگی تأمین و تدارک لشکرهای ۱۴ امام حسین(ع) و ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) بود؛ برای حل این مشکل از بالگردهای شنوک هوانیروز برای ارسال آذوقه، مهمات و سایر ملزومات و انتقال مجروحان این دو یگان به عقب استفاده شد.

با وجود خستگی چندروزه به‌دلیل اجرای عملیات و آسیب‌های واردشده به یگان‌ها، فرماندهان بر اجرای عملیات تکمیلی شب گذشته و تصرف کامل ارتفاعات زله و هرگنه و همچنین تصرف کانی‌مانگا تأکید داشتند. ولی باتوجه‌به مقدورات یگان‌ها مقرر شد دو روز بعد، لشکر ۴۱ ثارالله(ع) بار دیگر عملیاتی را با هدف تصرف ارتفاعات باقیمانده هرگنه اجرا و لشکر ۲۵ کربلا نیز هم‌زمان با این لشکر، خط هرگنه به کلو را تأمین کند.[۵۰]

در اولین ساعات روز چهارم آبان، لشکر ۴۱ ثارالله(ع) موفق شد در نبردی سخت ارتفاعات مهم ۱۴۷۰ و ۱۵۳۰ در غرب و جنوب هرگنه را که در شمال‌شرقی پنجوین قرار داشتند، به تصرف درآورد. درپی این امر و احتمال تصرف شهر پنجوین، فرماندهی سپاه یکم عراق به یگان‌های مستقر در منطقه مأموریت داد این شهر را تخریب کنند. بدین‌ترتیب، ۶ گردان مهندسی عراق بخش‌های عمده‌ای از پنجوین را تخریب کردند و همه نشانه‌هایی که هویت این شهر را مشخص می‌کرد، از بین بردند.[۵۱]

با تصرف ارتفاعات ۱۴۷۰ و ۱۵۳۰ هرگنه به‌همت لشکر ۴۱ ثارالله(ع) که پیامد آن تخلیه و تخریب شهر پنجوین به‌دست ارتش عراق بود، مرحله دوم عملیات والفجر۴ پایان یافت. در ادامه، براساس اطلاعاتی که یک گروه شناسایی از منطقه غرب کانی‌مانگا به دست آورده بود، تغییراتی در تصمیم برای تداوم عملیات به وجود آمد؛ بدین‌ترتیب که تصرف نالپاریز در جنوب‌غربی کانی‌مانگا در اولویت قرار گرفت و مقرر شد یگان‌های ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و ۱۴ امام حسین(ع) از محور پنجوین به کانی‌مانگا منتقل شوند و لشکرهای ۲۷ حضرت رسول(ص) و ۳۱ عاشورا بخشی از ارتفاعات کانی‌مانگا یعنی شیخ گزنشین، ۱۸۶۶، ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰ را به تصرف خود درآورند.

هم‌زمان با این دو یگان، تیپ۴۴ قمربنی‌هاشم(ع) هم باید ضمن پیشروی در منطقه غرب کانی‌مانگا از دامنه‌های جنوبی لری تا بادانه، با حمله به یک واحد نظامی عراقی مستقر در این منطقه آن را منهدم می‌کرد. در گام بعدی نیز لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) مأموریت داشت از بادانه تا دشت خرمال پیشروی کند. پس از آن، لشکر۱۴ امام حسین(ع) می‌بایست متصرفات این لشکر را به‌سمت جنوب ادامه می‌داد و نالپاریز را به تصرف درمی‌آورد.[۵۲]

مرحله سوم

مرحله سوم عملیات برای تصرف ارتفاعات کانی‌مانگا و پاک‌سازی بخشی از جاده غرب کانی‌مانگا از اولین دقایق بامداد دوازدهم آبان شروع شد و یگان‌ها از حدود ساعت ۲ بامداد با نیروهای دشمن درگیر شدند. لشکر۳۱ عاشورا موفق شد قبل از روشنایی هوا ارتفاعات شیخ گزنشین به‌جز ارتفاع ۱۸۷۷ را که دشمن سرسختانه از آن دفاع می‌کرد تصرف کند، اما تصرف‌نکردن این ارتفاع موجب شد این لشکر نتواند با سمت چپ خود یعنی گردان حبیب از لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) الحاق کند و درنتیجه، جاده شیخ گزنشین همچنان در دست دشمن باقی مانده بود.

نیروهای لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) نیز توانستند سه ارتفاع ۱۸۶۶، ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰ را به تصرف درآورند، اما به‌دلیل فشار دشمن در منطقه جنوبی محل مأموریت این لشکر، فرماندهی این یگان تصمیم گرفت به‌جای خاکریزی که قرار بود برای حفظ جناح چپ لشکر از قله ۱۹۰۰ به یال ۱۶۱۶ و از آنجا به‌سمت روکان احداث شود، خاکریزی را در ۳ کیلومتری شمال این منطقه و از ارتفاع ۱۹۰۴ به‌سمت رودخانه قزلجه احداث کند. از ساعت ۷ صبح به بعد، فشار دشمن برای بازپس‌گیری متصرفات لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) افزایش یافت و عراق دو قله ۱۹۰۰ و ۱۹۰۴ را که چندین‌بار بین نیروهای خودی و دشمن دست‌به‌دست شده بود، بازپس گرفت. بااین‌حال، نیروهای این لشکر همچنان در دامنه‌های شرقی این دو قله حضور داشتند. فشار دشمن در سایر محورها نیز افزایش یافت، به‌حدی‌که فرماندهان یگان‌ها مجبور شدند برای حفظ دستاوردهای عملیاتی، نیروهای احتیاط خود را وارد عمل کنند. درحالی‌که فشار حملات زمینی و توپخانه‌ای دشمن شدت گرفته بود، آماده‌نبودن جاده اصلی تدارکاتی مشکلات عدیده‌ای را برای یگان‌ها به وجود آورده بود.[۵۳]

در نشست فرماندهان برای تصمیم‌گیری درباره ادامه مرحله سوم عملیات قرار شد لشکر۱۴ امام حسین(ع) یال‌های غربی ارتفاع شیخ گزنشین را تصرف و لشکر۳۱ عاشورا نیز ضمن تصرف ارتفاع ۱۸۷۷ شیخ گزنشین، با لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) الحاق کند. لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) نیز مأموریت داشت ارتفاعات ۱۸۶۶ و ۱۹۰۴ و درصورت توان ارتفاع ۱۹۰۰ را به تصرف درآورد و لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) نیز می‌بایست در ادامه کار تیپ۴۴ قمربنی‌هاشم(ع) جاده موجود در غرب کانی‌مانگا را تا حد مقدور پاک‌سازی می‌کرد.[۵۴]

در اواخر مرحله سوم عملیات آنچه موجب نگرانی بود، نداشتن نیروی کافی برای ادامه و تکمیل اهداف عملیات بود؛ تقریباً همه یگان‌ها فاقد نیرو برای ادامه کار بودند و فقط لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) ۲ گردان نیرو داشت.

گفتنی است با به‌کارگیری لشکر۱۴ امام حسین(ع)، مشکل بخش شمالی ارتفاعات کانی‌مانگا حل می‌شد، اما

این امر به‌نوعی چشم‌پوشی از تصرف نالپاریز نیز به حساب می‌آمد، زیرا قبلاً یگان مذکور برای این منطقه در نظر گرفته شده بود.

در ادامه مرحله سوم عملیات و در روز ۱۳ آبان‌ماه، لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) که از قبل به منطقه عملیاتی آشنایی داشت، زودتر از یگان‌های دیگر حدود ساعت ۱:۳۰ بامداد، درگیری خود را آغاز کرد و سپس لشکر ۳۱ عاشورا در سمت راست آن با نیروهای دشمن درگیر شد.

در ساعت ۴ بامداد، نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین(ع) هم درگیری را آغاز کردند. نیروهای لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) نیز به‌دلیل ناهماهنگی اولیه و بی‌اطلاعی از محل حضور دشمن حدود یک ساعت بعد درگیر شدند.

موضوعی که پس از شروع درگیری یگان‌ها ذهن فرماندهی را به خود مشغول کرده بود، چگونگی تأمین و تدارک لشکرهای ۱۴ امام حسین(ع) و ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) بود؛ زیرا باتوجه‌به نبود جاده در غرب کانی‌مانگا، که ازطریق آن بتوان نیروهای این دو یگان را پشتیبانی کرد، می‌بایست به‌ناچار از بالگردهای شنوک هوانیروز برای ارسال آذوقه، مهمات و سایر ملزومات و انتقال مجروحان این دو یگان به عقب استفاده می‌شد.

پس از درگیرشدن نیروهای خودی، گزارش‌های رسیده به قرارگاه از آن حکایت داشت که یگان‌ها با قدرت به‌سمت اهداف پیشروی می‌کنند. اولین خبر از لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) دریافت شد که طبق آن این لشکر در ساعت ۵:۳۰ بامداد، همه اهداف خود را به‌غیراز ارتفاع ۱۹۰۰ (جنوبی‌ترین قله کانی‌مانگا)، به تصرف در آورده است.

لشکر ۱۴ امام حسین(ع) نیز که با زمین منطقه آشنایی چندانی نداشت و ابتدا به‌کندی پیشروی می‌کرد، با روشن‌شدن هوا و پیداکردن شناخت نسبی از منطقه و موقعیت دشمن، باسرعت به‌سمت اهداف خود حرکت کرد و توانست ۲ قله از ارتفاع ۱۶۶۲ و ۱۷۷۴ شیخ گزنشین را ازسمت غربی آن تصرف و یک مقر فرماندهی نیروهای عراقی را منهدم کند. همچنین تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در منطقه عملیاتی این یگان متراکم‌تر از سایر محورها بودند، کشته و تعدادی نیز اسیر شدند.

لشکر ۳۱ عاشورا نیز قله اصلی شیخ گزنشین را تصرف کرد و در جناح راست خود منتظر پیشروی لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) بود تا با آن یگان الحاق کند.

لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) هم تا ۴ کیلومتری جنوب بادانه پیشروی کرد و علاوه‌بر پاک‌سازی جاده غرب کانی‌مانگا، ارتفاعات غرب این جاده را نیز پاک‌سازی و تأمین کرد. این لشکر همچنین نیروهای عراقی را که با فشار رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین(ع) درحال عقب‌نشینی از یال‌های غربی شیخ گزنشین به‌سمت نالپاریز بودند، زیر آتش گرفت که درنتیجه تعداد زیادی از آنان کشته شدند.

هم‌زمان با پیشروی نیروها درحالی که هنوز الحاق بین لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۲۷ حضرت رسول(ص) کامل نشده بود و جاده شیخ گزنشین نیز قابل‌تردد نبود و ازطرفی کار احداث جاده چمک به شیخ‌المارین نیز پایان نیافته بود، تأخیر در آماده‌شدن بالگردهای شنوک برای حمل اقلام موردنیاز به عقبهٔ نزدیک یگان‌ها در غرب ارتفاع کانی‌مانگا و انتقال مجروحان به عقب، نگرانی‌هایی را به وجود آورد. باآنکه طبق هماهنگی قبلی قرار بود بالگردهای شنوک از ساعت ۶:۳۰ صبح مأموریت خود را آغاز کنند، تا حدود ساعت ۹ این کار انجام نشده بود و بالاخره با پیگیری مصرانه محسن رضایی و رحیم صفوی هماهنگی‌های لازم انجام شد و سرهنگ صیاد شیرازی شخصاً نظارت

از راست نفر سوم ایستاده شهید محمدابراهیم همت فرمانده لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) در میان جمعی از رزمندگان یگان، مریوان، ۱۳۶۲.

بر اجرای مأموریت بالگردها را بر عهده گرفت. ازآن‌پس هوانیروز تا زمانی که عقبه زمینی نیروهای خودی باز نشده بود، برای رساندن ملزومات و وسایل موردنیاز به رزمندگان و حمل مجروحان نقش مؤثری را ایفا کرد.

حدود ساعت ۱۰ صبح، الحاق بین دو لشکر ۳۱ عاشورا و ۲۷ حضرت رسول(ص) کامل و تثبیت شد و جاده مهم شیخ گزنشین به دست نیروهای خودی افتاد. برقراری الحاق بین این دو یگان و حصول اطمینان از اتصال عقبه خودی به منطقه عملیاتی از یک‌سو و تصرف قله ۱۹۰۰ در جنوب ارتفاع کانی‌مانگا از سوی دیگر، شوق و شعف فراوانی را به همراه داشت. با سقوط قله ۱۹۰۰ و حرکت نیروهای لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) به یال‌های غربی این قله، یک قرارگاه فرماندهی دشمن و نیروهای عراقی مستقر در این منطقه از سه طرف به محاصره درآمدند. دشمن برای انتقال فرماندهان این قرارگاه چند فروند بالگرد اعزام کرد که نیروهای لشکر حضرت رسول(ص) ۲ فروند از آنها را هدف قرار دادند و ساقط کردند و تعدادی از عراقی‌ها را نیز به اسارت درآوردند. پس از آن، دشمن با واردکردن نیروهای تازه‌نفس برای بازپس‌گیری این قله چند بار پاتک کرد که اصلی‌ترین آن در ساعت ۱۰ صبح برای تصرف ارتفاع ۱۹۰۴ بود، اما نیروهای لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) این پاتک را سرکوب کردند و نیروهای عراقی با تحمل تلفات زیاد و دادن ۱۲ اسیر مجبور به عقب‌نشینی شدند. عراقی‌ها هنگام عصر نیز چند پاتک سنگین اجرا کردند که بازهم با مقاومت نیروهای خودی مواجه و ناچار به عقب‌نشینی شدند.

در همین حال، واحد مهندسی لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) برای حفظ جناح چپ خود یک خاکریز از شمال ارتفاع ۱۹۰۴ به‌سمت راست تا تقاطع رودخانه قزلجه احداث کرد. جاده شیخ گزنشین نیز که با الحاق لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۲۷ حضرت رسول(ص) آزاد شده بود، تثبیت شد و احداث جاده چمک به شیخ‌المارین نیز

پایان یافت و نیروها به‌طور کامل به عقبه‌ها وصل شدند.

دراین‌میان، آنچه موجب نگرانی بود، نداشتن نیروی کافی برای ادامه و تکمیل اهداف عملیات بود؛ تقریباً همه یگان‌ها فاقد نیرو برای ادامه کار بودند و فقط لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) ۲ گردان نیرو داشت. لشکر ۱۴ امام حسین(ع) هر ۴ گردان خود را به کار گرفته بود و لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) هم هر ۳ گردان تازه‌نفس و سایر نیروهایی را که از شب قبل باقی مانده بودند، وارد عمل کرده بود. لشکر ۳۱ عاشورا نیز با عملیاتی که در این روز انجام داد، هیچ نیرویی برای ادامه کار در اختیار نداشت. بدین‌ترتیب، کمبود نیرو بسیار محسوس بود.

درپی تصمیم فرماندهان قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) و قرارگاه مقدم حمزه مبنی‌بر ادامه مرحله سوم عملیات والفجر ۴ در غرب ارتفاع کانی‌مانگا، از اولین ساعات روز ۱۶ آبان نیروهای دو لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و ۴۱ ثارالله(ع) برای اجرای عملیات راهی منطقه هدف شدند.

پس از تصرف ارتفاعات و برقراری اتصال عقبه‌های خودی، محسن رضایی از غلامعلی رشید خواست که نیروها با بهره‌گیری از فرصت به‌دست‌آمده به‌سمت جنوب و نالپاریز پیشروی کنند، اما وی با بیان اینکه رزمندگان توانی برای ادامه پیشروی ندارند، گفت: یگان‌ها در منطقه نیروی تازه‌نفسی ندارند که به کار بگیرند و پیشروی کنند. ازاین‌رو، بر آوردن یگان‌های جدید به منطقه بار دیگر تأکید شد.

با وجود تلاش فرماندهان برای جایگزینی نیروهای تازه‌نفس، هنوز دربارهٔ ادامه عملیات و نوع به‌کارگیری یگان‌های جدید ابهاماتی وجود داشت، زیرا برآوردها نشان می‌داد باتوجه‌به فشار دشمن، نیروهای جدیدی که به منطقه می‌آیند ممکن است نتوانند وضعیت فعلی را تثبیت کنند که در آن صورت تداوم عملیات و پیشروی به‌سمت نالپاریز در ابهام قرار می‌گرفت.

در پایان روز ۱۳ آبان، نیروهای خودی قله‌های اصلی کانی‌مانگا را به تصرف در آورده بودند، اما دامنه‌های غربی، شرقی و جنوبی این ارتفاع که به تنگه روکان و شهر نالپاریز منتهی می‌شد، همچنان در دست نیروهای دشمن قرار داشت.[۵۵]

در روز ۱۴ آبان‌ماه، عراق که باتوجه‌به موقعیت نظامی دو ارتفاع ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰ و امکان دستیابی نیروهای خودی به نالپاریز و تنگه روکان، روی این دو ارتفاع حساسیت ویژه‌ای داشت، اقدامات خود را از ساعت ۳ بامداد برای بازپس‌گیری این ارتفاعات شروع کرد.

ارتش عراق پس از اجرای آتش بسیار پرحجم و سنگین توپخانه روی این دو ارتفاع، نیروهای پیاده خود را از یال‌های جنوبی کانی‌مانگا روانه منطقه درگیری کرد. دراین‌حال، نیروهای لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) با وجود خستگی سه روز نبرد مداوم، مقابل هجوم نیروهای دشمن به‌شدت مقاومت کردند، اما عراق که می‌خواست هرطور شده است دو ارتفاع ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰ را به تصرف درآورد، بدون توجه به تلفات نیروهای خود، به‌طورمستمر آنها را وارد منطقه درگیری می‌کرد؛ به‌نحوی‌که در مدت چند ساعت نبرد، ۸ گردان نیرو از تیپ‌های مختلف ازجمله گارد ریاست‌جمهوری عراق به کار گرفته شد و سرانجام در ساعت ۱۰ صبح، هر دو قله مذکور به تصرف ارتش عراق درآمد. فشار دشمن و شدت درگیری‌ها به حدی بود که نیروهای لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) حتی امکان ایستادن در یال‌های این دو ارتفاع را نیز نداشتند و به‌ناچار تا ارتفاع ۱۸۶۶ (شاخ تارچر) عقب رفتند و در آنجا مستقر شدند.

در غرب کانی‌مانگا نیز نیروهای دشمن تحرکی برای پیشروی انجام ندادند، اما برای سدکردن راه نفوذ و پیشروی نیروهای خودی در این منطقه، از حدفاصل شیار آروزر تا جاده چوارتا نالپاریز خط تشکیل دادند و در آن منطقه استقرار یافتند. البته در غرب این جاده، نیروهای لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) توانستند شبانه ضمن پیشروی روی ارتفاعات این منطقه و به‌ویژه ارتفاع سرو در ساحل شمالی رودخانه گوگسور، که جلوتر از خط عراقی‌ها بود، مستقر شوند.[۵۶]

باتوجه‌به وضعیت پیش‌آمده از بازپس‌گیری دو ارتفاع ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰ کانی‌مانگا به‌دست نیروهای دشمن و احتمال پیشروی بیشتر عراق در این محور و تهدید دستاوردهای اصلی عملیات، فرماندهی تثبیت وضعیت فعلی و تصرف حداقل یکی از دو ارتفاع یادشده را در اولویت قرار داد تا پس از آن درباره ادامه پیشروی و تأمین اهداف نهایی عملیات تصمیم‌گیری شود.[۵۷]

درپی تدابیر اندیشیده‌شده، لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) با سازماندهی مجدد نیروهایی که قبلاً عملیات کرده بودند، بار دیگر برای تصرف ارتفاع ۱۹۰۴ وارد عمل شد و توانست قله ۱۹۰۴ را تصرف کند و روی آن مستقر شود. البته دشمن با به‌کارگیری آتش پرحجم توپخانه و واردکردن نیروهای تازه‌نفس در ساعت ۱۰ صبح، این ارتفاع را بازپس گرفت. دراین‌حال، باتوجه‌به مشکلات پیشرو و نبود نیرو، چگونگی ادامه عملیات برای تصرف نالپاریز بار دیگر در جلسه فرماندهان مورد بحث قرار گرفت. در بررسی راهکارها برای تصرف نالپاریز دو راهکار پیشرو بود:

۱. ادامه پیشروی در ارتفاعات با تصرف ارتفاع ۱۹۰۴ و ۱۹۰۰ و دامنه‌های جنوبی ۱۹۰۰ و رسیدن به نالپاریز.

۲. ادامه پیشروی در جاده غرب کانی‌مانگا و تصرف برخی یال‌های غربی این ارتفاع.

نبود توان در لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) و طولانی‌شدن سیر جایگزین‌کردن یک یگان دیگر با آن، زمان‌بر بودن عملیات‌شناسایی‌یگان‌جدیدوهمچنین‌تجربه‌به‌دست‌آمده در جریان عملیات روزهای گذشته مبنی‌بر تلاش عراق برای حفظ دو ارتفاع ۱۹۰۰ و ۱۹۰۴ به هر قیمتی، فرماندهان را به انتخاب راهکار دوم ترغیب کرد. ازآنجاکه حرکت یگان از غرب کانی‌مانگا به‌سمت نالپاریز نیز به مقدماتی ازجمله تصرف دو یال ۱۷۴۰ و ۱۶۸۰ شاخ تارچر و پاک‌سازی جاده غرب کانی‌مانگا حداقل تا منطقه کلز نیاز داشت، لشکر ۴۱ ثارالله(ع) بدین‌منظور به کار گرفته شد و لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) نیز برای پیشروی در غرب کانی‌مانگا به‌سمت جنوب در نظر گرفته شد.[۵۸]

مرحله چهارم عملیات والفجر۴ در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۲۸ آبان ۱۳۶۲ آغاز شد. باتوجه به اینکه نیروهای دشمن در اغلب محورها به‌ویژه محور کانی‌مانگا هوشیار بودند، نیروهای خودی هنگام حرکت به‌سوی خط مقدم عراق با نیروهای کمین دشمن برخورد کردند و به‌ناچار با آنها درگیر شدند.

درپی تصمیم فرماندهان قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) و قرارگاه مقدم حمزه مبنی‌بر ادامه مرحله سوم عملیات والفجر۴ در غرب ارتفاع کانی‌مانگا، از اولین ساعات روز ۱۶ آبان نیروهای دو لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و ۴۱ ثارالله(ع) برای اجرای عملیات راهی منطقه هدف شدند.

هر دو یگان به‌خصوص لشکر ۴۱ ثارالله(ع) برای رسیدن به منطقه درگیری در محدوده عملیات خود به کمین‌ها و موانع زیادی برخورد کردند و این امر زمان درگیری

را به تأخیر انداخت، به‌نحوی‌که نیروهای لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در ساعت ۲:۳۰ بامداد و رزمندگان لشکر۴۱ ثارالله(ع) در ساعت ۴ بامداد با نیروهای دشمن درگیر شدند. یک ساعت بعد از شروع درگیری، مهدی زین‌الدین فرمانده لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، اعلام کرد که نیروهای این یگان در منطقه کلزآسیاب به اهداف خود دست یافته و مشغول پاک‌سازی منطقه‌اند و در محور کلزآسیاب به جنوب نیز درحال پیشروی و پاک‌سازی‌اند و منتظرند تا لشکر۴۱ ثارالله(ع) نیز به‌سمت آنها حرکت و با این لشکر الحاق کند. در محور لشکر۴۱ ثارالله(ع) نیز ۴۰ دقیقه پس از آغاز درگیری در ارتفاع ۱۷۴۰ و ۱۶۸۰، وجود موانع ازجمله میدان مین و سیم‌خاردار مانع پیشروی نیروهای این لشکر شد. نیروهای تخریب این یگان با برداشتن موانع راه را برای عبور رزمندگان باز کردند و آنها در ساعت ۷ صبح به یال‌های جنوبی رسیدند، ولی در این منطقه در کمال تعجب با نیروهای فراوان دشمن مواجه شدند که به‌طور غیرعادی آماده درگیری بودند. در پیگیری این امر مشخص شد بخشی از نیروهای یک تیپ گارد ریاست‌جمهوری عراق هم‌زمان با عملیات لشکر۴۱ ثارالله(ع) قصد داشته‌اند برای تصرف ارتفاع شیخ گزنشین اقدام کنند که در یال‌های ارتفاع ۱۶۸۰ با نیروهای این لشکر مواجه می‌شوند و ازاین‌رو تلفات زیادی به آنها وارد می‌شود.

از سوی دیگر، لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) نیز تا نزدیکی شمال‌غرب کلزآسیاب را در اختیار گرفته بودند. دراین‌حال، پیشروی نیروهای خودی به‌ویژه رزمندگان لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) تا ساعت ۹ صبح در محور دره میانه به‌حدی برای دشمن پیش‌بینی‌نشده بود که تیپ۳۶ عراق (مسئول پدافند در این محور) اعلام کرد اگر نیروهای ایرانی چند صد متر دیگر پیشروی کنند، ما در محاصره خواهیم افتاد. براین‌اساس، فرماندهان عراقی ناچار با عقب‌نشینی آنها موافقت کردند. اما کمی بعد دشمن با آوردن نیروی جدید در این منطقه فشار زیادی را به رزمندگان لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) که هنوز در منطقه تصرف‌شده استقرار مناسبی نیافته بودند، وارد کرد.

فشار و مقاومت نیروهای دشمن در منطقه حائل بین دو لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و۴۱ ثارالله(ع) از یک‌سو و تلفاتی که بر آنها وارد شده بود از سوی دیگر، مانع پرکردن شکاف دو کیلومتری و الحاق این دو لشکر شد. همچنین دشمن در ساعت ۱۰ صبح، نیروهای تیپ۳۶ را که ساعتی قبل آنها را به عقب برده بود به‌همراه تیپ۱ گارد ریاست‌جمهوری وارد عمل کرد و پاتک سنگینی را علیه نیروهای خودی سازمان داد. باتوجه‌به وسعت و شدت این ضدحمله، قرارگاه فرماندهی پیش‌بینی می‌کرد که نیروهای خودی عقب‌نشینی کنند، ولی هر دو یگان بیش از دو ساعت مقاومت کردند. در ساعت ۱۲، با افزایش فشار نیروهای زمینی و همچنین آتش فراوان بالگردهای عراقی، لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) مجبور به عقب‌نشینی شد و لشکر۴۱ ثارالله(ع) نیز ابتدا از قله ۱۶۸۰ و سپس از ارتفاع ۱۷۴۰، به عقب آمد.

هرچند پیشروی به‌سمت جنوب منطقه و تصرف نالپاریز همچنان جزء اهداف اصلی عملیات به حساب می‌آمد، ناکامی عملیات و درک فرماندهان از اصرار عراق برای حفظ یال‌های غربی شاخ تارچر (۱۶۸۰،۱۷۴۰) و به‌کارگیری نیروهای گارد ریاست‌جمهوری برای تصرف قله اصلی شاخ تارچر (۱۸۶۶) و حتی احتمال بازپس‌گیری کل ارتفاعات کانی‌مانگا، موجب شد فرماندهان تصمیم بگیرند برای تصرف این دو یال سرمایه‌گذاری بیشتری کنند.

در شامگاه شانزدهم آبان، فرماندهان با تشکیل جلسه‌ای دوباره بر تصرف نالپاریز تأکید کردند، اما باتوجه‌به اصرار عراق بر بازپس‌گیری ارتفاعات کانی‌مانگا تصمیم بر آن شد که عملیات روز گذشته برای تصرف دو یال ۱۷۴۰ و ۱۶۸۰ شاخ تارچر و پیشروی در جاده نالپاریز تکرار شود تا با تشکیل خط مطمئن، هم دستاوردهای عملیات حفظ شود و هم امکان پیشروی به‌سمت نالپاریز فراهم آید.

درحالی‌که نیروهای خودی مشغول فراهم‌کردن مقدمات عملیات بودند، عراق نیروهای خود را از جاده غرب کانی‌مانگا چندین کیلومتر به عقب کشید. بدین‌ترتیب، عملیات شب آینده منتفی و مرحله سوم عملیات والفجر۴ پایان‌یافته اعلام شد.[۵۹]

مرحله چهارم

پس از پایان مرحله سوم عملیات، جلسات متعددی برای ادامه عملیات تشکیل شد و فرماندهان مباحث و نظرات خود را مطرح کردند. سرانجام پس از توافق روی طرح مانور، مقرر شد مرحله چهارم عملیات والفجر۴ با هدف تصرف ارتفاعات کانی‌مانگا و یال‌های شرقی و غربی این ارتفاع، دو یال غربی شاخ تارچر، تنگه روکان، سنگ معدن و دامنه غربی آن و همچنین پیشروی در سمت غرب کانی‌مانگا تا منطقه کلزآسیاب اجرا شود.

سرانجام مرحله چهارم عملیات والفجر۴ در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۲۸ آبان ۱۳۶۲ آغاز شد. باتوجه به اینکه نیروهای دشمن در اغلب محورها به‌ویژه محور کانی‌مانگا هوشیار بودند، نیروهای خودی هنگام حرکت به‌سوی خط مقدم عراق با نیروهای کمین دشمن برخورد کردند و به‌ناچار با آنها درگیر شدند. این امر سبب کندی پیشروی و واردشدن تلفات به واحدهای خودی و همچنین افزایش آمادگی دشمن در خط مقدم برای مقابله با افراد خودی شد.

به‌هرتقدیر، نیروهای لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) پس از شروع درگیری با وجود مشکلات موجود توانستند دو یال غربی شاخ تارچر و در ادامه ارتفاع ۱۹۰۴ را تصرف کنند. نیروهای لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) نیز توانستند در یک محور تا نزدیکی هدف (کلزآسیاب) پیشروی کنند، اما الحاق در سمت راست آنها با لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) صورت نگرفت. نیروهای لشکر۵ نصر نیز ازسمت شرق (پنجوین) پیشروی کردند و قله سنگ معدن را به تصرف درآوردند، اما در تصرف یال غربی این ارتفاع و شاخ شوکت موفقیتی به دست نیاوردند. نیروهای خودی در تنگه روکان نیز مواضعی را تصرف کرده بودند.[۶۰]

با روشن‌شدن هوا دشمن فشار خود را برای بازپس‌گیری متصرفات یگان‌های خودی آغاز کرد، تاحدی‌که ارتفاع ۱۹۰۴ سه بار بین نیروهای خودی و دشمن دست‌به‌دست شد و درنهایت دشمن توانست این ارتفاع را بازپس بگیرد. در محور عملیات لشکر۵ نصر نیز باتوجه‌به آنکه استقرار نیروهای خودی بدون الحاق با جناحین خود بود، فرماندهی عملیات با پیش‌بینی خطر محاصره‌شدن آنها دستور داد عملیات لشکر۵ نصر نیز متوقف شود و نیروها از مواضع تصرف‌شده در ارتفاع ۱۸۳۰ به عقب بازگردند. در غرب جاده کانی‌مانگا هم که نیروهای لشکر۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و لشکر۲۷ حضرت رسول(ص) نتوانسته بودند الحاق کنند، دشمن ابتدا با اجرای آتش پرحجم توپخانه و سپس واردکردن انبوه نیروهای پیاده، آنها را به عقب راند و بدین‌ترتیب، با وجود موفقیت‌های نسبی به‌دست‌آمده اولیه، این عملیات بدون دستیابی به اهداف پایان یافت.[۶۱]

پس از پایان مرحله چهارم، جلسات متعددی با حضور فرماندهان ارشد سپاه و ارتش برای ادامه عملیات برگزار و مباحث مختلفی درباره تداوم عملیات یا خاتمه آن مطرح شد، اما درنهایت باتوجه‌به تجربیاتی که طی چهار مرحله عملیات در منطقه حاصل شده بود و نیز دلایلی نظیر نبود توان و فرارسیدن فصل سرما، مقرر شد با تقویت خاکریزها و احداث استحکامات، خط فعلی حفظ و ادامه عملیات منتفی شود.[۶۲]

نتایج عملیات

- آزادسازی بخشی از سرزمین‌های ایران.
- تصرف منطقه وسیع دره شیلر واقع در خاک عراق و تحت کنترل قرارگرفتن شهر پنجوین و چندین روستا.
- سرنگون‌شدن ۳ فروند هواپیما و ۳ فروند هلیکوپتر.
- انهدام ۳۵ دستگاه تانک و نفربر و ۱۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۳۲ قبضه توپ، ۲۶ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری، ۲۰ قبضه توپ ضدهوایی و ۲۵ قبضه خمپاره‌انداز.
- به غنیمت درآمدن ۸ دستگاه تانک و نفربر، ۳۱۵ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۳۷ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری، ۶۰ قبضه توپ ضدهوایی و ۶۰ قبضه خمپاره‌انداز.
- کشته یا زخمی شدن حدود ۱۸۰۰۰ تن و به اسارت درآمدن ۷۸۵ تن از نیروهای دشمن.
-آزادسازی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع ازجمله ارتفاعات مارو، گرمک، خلوزه ۱ و ۲، براله و سربراله، کنگرک، لری، سه‌درختی، تخم‌مرغی، پادگان گرمک، شهرک هرگنه، تپه شهدا، هفت‌توانان، کلو، شاخ ناشکینه، دشت شمال رود قزلچه، ارتفاعات پنجوین، یال شرقی ارتفاعات زله، ارتفاع ۱۶۷۲ (شرق سنگ معدن)، شیخ گزنشین، شاخ تارچر از کانی‌مانگا و مناطق غرب کانی‌مانگا تا شرق چوارته.[۶۳]

منابع و مأخذ

۱. حسین اردستانی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۳؛ تنبیه متجاوز، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹، ص۸۱.

۲. صحیفه امام، ج۱۸، ص۴۳.

۳. حسین اردستانی، پیشین، ص۵۵.

۴. عزت‌الله عزتی، جغرافیای نظامی ایران، صص۵۱-۵۵.

۵. مجتبی جعفری، اطالس نبردهای ماندگار ارتش، ص۹۲.

۶. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، داوود رنجبر، صص۲۳ - ۱۵.

۷. یعقوب نعمتی، حجت‌الله کریمی و محمدجواد اکبرپور، روزشمار جنگ ایران و عراق؛ آماده‌سازی عملیات والفجر۴، ج۲۷، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۴، ص۲۳.

۸. همان، ص۱۹۴.

۹. همان، ص۳۰۲.

۱۰. همان، ص۵۱۶.

۱۱. ر.ک به: روزنامه کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۶/۲۸.

۱۲. یعقوب نعمتی، حجت‌الله کریمی و محمدجواد اکبرپور، پیشین، صص۶۳۹ - ۶۳۸.

۱۳. سند شماره ۲۰۴۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۲/۷/۱۵؛ سند شماره ۰۲۰۸۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۲/۸/۱۵؛ و سند شماره ۰۲۱۰۱۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۲/۹/۷.

۱۴. سند شماره ۱۲۷۵۶/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه طراحی و آماده‌سازی عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، عملیات والفجر۴، (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۷/۳، نوار شماره ۱۲۷۵۶)، ص۹.

۱۵. سند شماره ۱۲۹۱۸/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه بررسی عملیات در شیلر و دربندیخان، عملیات والفجر۴، (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۷/۴، نوار شماره ۱۲۹۱۸)، ص۱۷.

۱۶. یعقوب نعمتی، حجت‌الله کریمی و محمدجواد اکبرپور، پیشین، ص۷۸۱.

۱۷. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راویان قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۵/۲۴، ص ۹۳.

۱۸. سند شماره ۱۲۷۸۶/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه ارزیابی عملیات والفجر۴، (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۷/۹، نوار شماره ۱۲۷۸۶)، صص۸-۱.

۱۹. سند شماره ۲۸۵/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۷/۱۱ تا ۱۳۶۲/۷/۲۸، ص۴۱.

۲۰. یعقوب نعمتی، حجت‌الله کریمی و محمدجواد اکبرپور، پیشین، صص۹۰۷ - ۹۰۴.

۲۱. سند شماره ۱۳۰۸۴/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه با فرماندهی قرارگاه حمزه، عملیات والفجر۴، (قرارگاه مقدم حمزه، ۱۳۶۲/۷/۲۰، نوار شماره ۱۳۰۸۴)، ص۱۵.

۲۲. حسین علایی، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، ج۱، تهران، انتشارات مرز و بوم، ۱۳۹۵، ص۶۲۷.

۲۳. همان، ص۶۲۸.

۲۴. علیرضا لطف‌الله‌زادگان و ایرج همتی، روزشمار جنگ ایران و عراق؛ والفجر۴ نخستین عملیات بزرگ در شمال‌غرب، ج۲۸، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، ۱۳۹۶، ص۲۳.

۲۵. سند شماره ۲۸۵/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۷/۱۱ تا ۱۳۶۲/۷/۲۸، صص۲۶۲ و ۲۶۳.

۲۶. سند شماره ۴۰۶۳/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: هدایت مرحله اول عملیات والفجر۴ (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۷/۲۸، نوار شماره ۱۲۹۴۵)، داوود رنجبر، ص۱۵.

۲۷. سند شماره ۳۴۸۱/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، (قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، ۱۳۶۲/۷/۲۸، نوار شماره ۱۳۱۰۸)، محمدرضا دیانی، ص۱.

۲۸. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۶۳.

۲۹. سند شماره ۲۰۶۶۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: وقایع لحظه‌به‌لحظه عملیات والفجر۴، قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۷/۲۸.

۳۰. سند شماره ۱۴۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی لشکر۸ نجف، محمدعلی خرمی، ص۲۷.

۳۱. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۶۳.

۳۲. همان، صص۶۴ و ۶۵؛ و سند شماره ۱۴۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی لشکر۸ نجف، محمدعلی خرمی، ص۳۱

۳۳. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، صص۶۷ و ۶۸.

۳۴. سند شماره ۱۳۳/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی لشکر۱۴ امام حسین(ع)، اصغر معرفت‌جو، صص۳۰ و ۳۱.

۳۵. سند شماره ۳۱۶۶۳۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: شرح وقایع لحظه‌به‌لحظه عملیات والفجر۴، ۱۳۶۲/۷/۲۹.

۳۶. علیرضا لطف‌الله‌زادگان و ایرج همتی، پیشین، ص۲۰۳.

۳۷. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۷۱.

۳۸. سند شماره ۱۳۳/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی لشکر۱۴ امام حسین(ع)، اصغر معرفت‌جو، صص۴۱ - ۴۰.

۳۹. علیرضا لطف‌الله‌زادگان و ایرج همتی، پیشین، ص۲۰۵.

۴۰. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، صص۷۳ - ۷۱.

۴۱. همان، ص۷۳.

۴۲. همان، ص۷۵.

۴۳. سند شماره ۲۹۸/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی لشکر۱۴ امام حسین(ع)، اصغر معرفت‌جو، ۱۳۶۲/۷/۱۱ تا ۱۳۶۲/۸/۲۲، ص۷۳؛ و سند شماره ۱۳۳/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش عملیات لشکر۱۴ امام حسین(ع) در والفجر۴، راوی قرارگاه حمزه، محمدرضا دیانی، صص۴۴ و ۴۵؛ و سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۷۶.

۴۴. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۷۶.

۴۵. سند شماره ۴۲۳۲/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۷/۲۹، نوار شماره ۱۲۹۵۳)، صص ۲۶ و ۲۵.

۴۶. سند شماره ۲۹۶/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا(ع)، محمدرضا دیانی، ۱۳۶۲/۷/۲۹ تا ۱۳۶۲/۸/۱۹، ص ۱۰.

۴۷. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۷۸؛ و سند شماره ۲۹۶/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در عملیات والفجر۴، محمدرضا دیانی، ۱۳۶۲/۸/۱۹، صص ۲۱ و ۲۲.

۴۸. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، صص۸۲ - ۸۱.

۴۹. همان، صص۸۵ - ۸۲.

۵۰. علیرضا لطف‌الله‌زادگان و ایرج همتی، پیشین، ص۲۶.

۵۱. سند شماره ۱۰۸۹۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، ۱۳۶۲/۸/۴؛ و سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) داوود رنجبر، صص۸۸ و ۸۹.

۵۲. علیرضا لطف‌الله‌زادگان و ایرج همتی، پیشین، ص۲۷.

۵۳. سند شماره۲۸۸/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۸/۹ تا ۱۳۶۲/۸/۱۴، صص۵۶ - ۴۳؛ و سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، صص۱۰۴ - ۱۰۲.

۵۴. سند شماره ۶۷۰۰/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: طراحی و آماده‌سازی عملیات والفجر۴، (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۸/۱۲، نوار شماره ۱۲۹۷۹)، داوود رنجبر، صص۲۶ - ۲۱؛

۵۵. سند شماره ۲۸۸/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۸/۹ تا ۱۳۶۲/۸/۱۴، ص۹۰؛ و سند شماره ۶۴۳۵/پن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، (قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، ۱۳۶۲/۸/۱۳، نوار شماره ۱۲۸۴۲)، داوود رنجبر، صص۴۳ - ۲؛ و سند شماره ۷۸۴۹۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش لحظه‌به‌لحظه عملیات والفجر۴ و بازتاب جهانی آن، ۱۳۶۲/۸/۱۳، صص۲ و ۳.

۵۶. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۱۱۴؛ و سند شماره ۲۹۶/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا(ع) در عملیات والفجر۴، محمدرضا دیانی، ۱۳۶۲/۷/۲۹ تا ۱۳۶۲/۸/۱۹، ص۱۵۰.

۵۷. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، ص۱۱۴.

۵۸. همان، صص۱۱۴ و ۱۱۵؛ و سند شماره ۲۸۹/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، داوود رنجبر، ۱۳۶۲/۷/۲۹ تا ۱۳۶۲/۸/۱۹، صص۴۷ - ۳۳؛ و سند شماره ۲۹۶/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا(ع) در عملیات والفجر۴، محمدرضا دیانی، ۱۳۶۲/۷/۲۹ تا ۱۳۶۲/۸/۱۹، ص۱۳۹.

۵۹. علیرضا لطف‌الله‌زادگان و ایرج همتی، پیشین، ص۳۰.

۶۰. سند شماره ۱۳۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: عملیات والفجر۴، گزارش راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، داوود رنجبر، صص۱۲۶ - ۱۲۵.

۶۱. همان، ص۱۲۸؛ و سند شماره ۲۹۷/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در عملیات والفجر۴، محمدرضا دیانی، ۱۳۶۲/۸/۲۰ تا ۱۳۶۲/۹/۵، صص۳۲ - ۲۶.

۶۲. سند شماره ۲۹۱/د مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در عملیات والفجر۴، محسن رخصت‌طلب، ۱۳۶۲/۸/۲۸ تا ۱۳۶۲/۹/۱، صص۲۷ - ۲۳.

۶۳. سند ۰۲۱۰۱۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۲/۹/۷؛ و سند ۰۲۰۹۸۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۲/۸/۳۰.